

Identifying and Examining the Drivers of the United States' Hybrid War Against the Iranian Nuclear Program: A Futures Research Approach and Countermeasure Strategies

Shohreh Pirani

Associate Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: Sh.pirani@shhed.ac.ir

 0000-0001-8287-2600

Mina Afraze

PhD Student in Political Studies of the Islamic Revolution, Shahed University, Tehran, Iran.

Email: afraze1368@gmail.com

Abstract

In the contemporary era, the concept of war has evolved into hybrid warfare, shaped by complex societal transformations and the diversification of confrontation tools. This research investigates the primary question: What are the key driving forces behind the United States' hybrid warfare policy against the Islamic Republic of Iran, and what strategies can Iran employ to counter it? The study adopts realism as its theoretical framework, aligning with the nature of hybrid warfare and U.S. foreign policy behavior. Utilizing a qualitative methodology based on documentary analysis and scenario-building techniques, the research identifies critical drivers of U.S. hybrid warfare, including regional and international political tensions, economic sanctions, cyberwarfare, and the influence of new media. In response, Iran's counterstrategies—namely, active diplomacy, a resistance economy, cybersecurity enhancement, military deterrence, and promotion of social cohesion—are analyzed. Four potential future scenarios are developed based on these dynamics: "reduction of tensions," "escalation of tensions," "continuation of the current status quo," and "full-scale war." The findings indicate that the most probable scenario is the continuation of the current situation, characterized by limited engagement and sustained indirect pressure. However, the implementation of Iran's flexible and multidimensional strategies may reduce the likelihood of crisis scenarios and enhance national resilience, thereby improving the prospects for a de-escalatory outcome.

Keywords: Hybrid warfare, United States, drivers, counterstrategies, futures studies, Islamic Republic of Iran.



شناسایی و بررسی پیشران‌های جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آینده پژوهی و ارائه راهبردهای مقابله‌ای

شهره پیرانی

دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Sh.pirani@shhed.ac.ir

0000-0001-8287-2600

مینا افرازه

دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی، انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

Email: afrazeh1368@gmail.com

چکیده

مفهوم جنگ در عصر حاضر با تحولات پیچیده جوامع و متنوع‌تر شدن ابزارهای نوین تقابل، به شکل جنگ ترکیبی (هیبریدی) ظهور یافته است. این پژوهش با هدف شناسایی پیشران‌های مؤثر بر سیاست جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران و ارائه راهبردهای مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آینده پژوهانه طراحی شده است. در همین راستا، سؤال اصلی پژوهش آن است که پیشران‌های مؤثر بر پیشبرد سیاست جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله با آن چیست؟ با توجه به ماهیت پدیده جنگ ترکیبی و اقدامات آمریکا، نظریه واقع‌گرایی چهارچوب نظری مورد استفاده در پژوهش است. با استفاده از روش کیفی اسنادی و سناریونویسی، پیشران‌هایی همچون تنش‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، تحریم‌های اقتصادی، جنگ سایبری و نقش رسانه‌های نوین به‌عنوان محرک‌های اصلی جنگ ترکیبی آمریکا تحلیل شده‌اند. در مقابل، اقدامات ایران در حوزه‌های دیپلماسی فعال، اقتصاد مقاومتی، امنیت سایبری، بازدارندگی نظامی و انسجام اجتماعی به‌عنوان راهبردهای مقابله کشورمان با جنگ ترکیبی آمریکا بررسی و در نظر گرفته شده‌اند. سناریوهای احتمالی آینده با در نظر گرفتن راهبردهای ایران در چهار چهارچوب «کاهش تنش‌ها»، «افزایش تنش‌ها»، «تداوم وضعیت فعلی» و «جنگ تمام‌عیار» مورد تحلیل قرار گرفتند. راهبردهای انعطاف‌پذیر و چندوجهی ایران می‌تواند احتمال سناریوهای بحرانی را کاهش داده و تاب‌آوری ملی را در برابر جنگ ترکیبی افزایش دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد سناریوی محتمل «تداوم وضعیت فعلی» با تأکید بر تعاملات محدود و فشارهای غیرمستقیم همراه است؛ اما راهبردهای ایران می‌تواند احتمال سناریوهای مطلوب‌تر مانند «کاهش تنش‌ها» را تقویت کند.

کلیدواژه‌ها: جنگ ترکیبی، آمریکا، پیشران‌ها، راهبردهای مقابله‌ای، آینده پژوهی، جمهوری اسلامی ایران.



مقدمه و بیان مسئله

اتفاقات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ موجب خاتمه عصر جنگ‌های معمول و به‌کارگیری این روش جنگی گردید و نظریه‌پردازان نظامی را به تغییر و تحول در آرای خود مجبور ساخت. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظامی در عصر جدید متوجه روش نبرد ویژه‌ای شدند و همین زمینه‌ساز دلواپسی کارشناسان نظامی گردید. در دوره کنونی هم پیش‌بینی‌های صورت گرفته از آینده، حاکی از رخداد بحران‌های وسیع و نگرانی‌های تصاعدی است. هر زمان که ترکیبی از مؤلفه‌های عملیات نظامی، اطلاعاتی، دیپلماتیک و سایبری در میان باشد، بیانگر جنگ ترکیبی است. دوران تازه‌ای در تاریخ نبردها در حال رخ دادن است. نبردهای پراهم، پیچیده، پرازار و گوناگون، از خصوصیات جنگ ترکیبی است (هافمن، ۲۰۱۷). بر همین اساس، آمریکا پس از دو نبرد طاقت‌فرسای افغانستان و عراق به این نتیجه رسید که جنگ نظامی ضد ایران آن‌چنان اثرگذار نیست و حتی امکان دارد پیامدهای بسیار ویرانگری برای کشور خود و هم‌پیمانانش در خاورمیانه و حتی فراتر از آن در پی داشته باشد. البته این بدین معنی نیست که راهبرد نویسان و سناریو نویسان کاخ سفید از معنای فعلی جنگ عبور کرده و صرفاً در سودای تحریم‌ها و فشارهای مالی و اقتصادی باشند، بلکه آمریکا از ابزارهای گوناگون به موازات هم و به‌صورت پیوسته استفاده کرده و ایران را تحت فشارهای بین‌المللی قرار می‌دهد (پوردستان، ۹۷). نبردهای آتی به مراتب وسیع‌تر از جنگ‌های فعلی بوده و تمامی ساختارهای سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اطلاعاتی را شامل خواهد شد. در همین راستا، ایالات متحده طی ۴۴ سال گذشته از اهرم‌های متنوعی همچون رویارویی مستقیم، فراهم‌سازی و پشتیبانی کودتا، ایجاد جنگ تحمیلی، تلاش برای براندازی نرم و راهاندازی آشوب خیابانی، تحریم اقتصادی و تهدیدهای گوناگون بهره برده است (قلخانبار، ۱۳۹۰: ۹).

با توجه به مباحث مطرح شده، اهمیت پژوهش پیرامون شناسایی و تبیین پیشران‌های مؤثر بر جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران و ارائه راهبردهای مقابله‌ای بدین دلیل است که می‌توان از یک‌سو به شناخت و تولید ادبیات علمی در سطح جامعه دانشگاهی و نخبگانی منجر شود و از سوی دیگر، بخش حکمرانی و تصمیم‌گیران کشور را به این مسئله و تدارک راهبردهای مناسب و برنامه‌ریزی برای مقابله با اقدامات و سیاست جنگ ترکیبی آمریکا علیه کشور معطوف کند.

درباره ماهیت و ابعاد جنگ ترکیبی و نیز نحوه و راهبردهای پیگیری این پدیده توسط دولت‌های بزرگی همچون ایالات متحده آمریکا، پژوهش‌ها و کارهای علمی فراوانی صورت گرفته است. برای مثال، رفیعی‌راد و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی بسترهای امکانی منطقه غرب آسیا در بروز جنگ‌های ترکیبی با تأکید بر نظریه امنیت ملی»، به بررسی شرایط و زمینه‌های موجود در غرب آسیا در بروز جنگ ترکیبی پرداخته و عنوان می‌کند عوامل امنیتی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی موجود در منطقه غرب آسیا در ایجاد و پدید آمدن جنگ ترکیبی اثرگذار است و این منطقه همیشه زمینه‌هایی برای بروز و تقویت و گسترش بحران را درون خود دارا است.

همچنین داود آذر در تحقیق خود با عنوان «تبیین عوامل و شاخص‌های توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی»، عوامل اثرگذار در مدیریت و کنترل عرصه‌های جنگ ترکیبی را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این، او این پژوهش را با به‌کارگیری روش مصاحبه و پرسش‌نامه انجام داده است. او در پژوهش سعی کرده عوامل برتری توان رزمی آجا در جنگ ترکیبی را بررسی کند.

در اغلب آثار مرتبط با جنگ ترکیبی شاهدیم صرفاً به معرفی و بررسی مقوله جنگ ترکیبی و ماهیت و ابعاد آن پرداخته شده است، درحالی‌که مشخصاً تحلیل پیشران‌ها و عوامل مؤثر بر پیگیری سیاست جنگ ترکیبی توسط آمریکا علیه ایران و راهبردهای مقابله با آن عمدتاً مغفول مانده و یا توجه چندانی نشده است. در نتیجه، این پژوهش علاوه بر تحلیل پیشران‌های جنگ ترکیبی آمریکا، به تدوین راهبردهای ایران برای خنثی‌سازی این تهدیدات می‌پردازد. ضرورت این کار نه تنها در تولید ادبیات علمی، بلکه در ارائه راهکارهای عملی به سیاست‌گذاران برای تقویت تاب‌آوری ملی نهفته است. هدف این مقاله، شناسایی و تحلیل پیشران‌های مؤثر بر جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران و ارائه راهبردهای مقابله‌ای با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهانه است و سعی دارد در طول پژوهش به این سؤال اصلی پاسخ دهد که پیشران‌های مؤثر بر پیشبرد سیاست جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای مقابله با آن چیست؟

۱. چهارچوب مفهومی و نظری

در این بخش ابتدا به تعریف دقیقی از جنگ ترکیبی و سایر مفاهیم کلیدی پژوهش می‌پردازیم و سپس نظریه واقع‌گرایی را به‌عنوان نظریه مورد استفاده در پژوهش مورد

بررسی قرار می‌دهیم. همچنین در ادامه به تبیین آینده‌پژوهی و نیز سناریونویسی به‌عنوان روش مدنظر می‌پردازیم.

۱-۱. جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی (هیبرید یا هایبرید) به شکلی از جنگ اطلاق می‌گردد که ابزارهای مورد استفاده در آن ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامتعارف، نامتقارن و نامنظم باشد. در واقع، جنگ ترکیبی بیش از آنکه سازه مستقلی باشد، شیوه جدیدی محسوب می‌شود. جنگ ترکیبی، جنگی است که قوای منظم و نامنظم بی‌شمار و نظام‌مند به‌صورت هم‌زمان زیر نظر فرماندهی مشترک و یکسان نبرد می‌کنند (هابر به نقل از کلاتری، ۱۴۶:۱۳۹۶). مفهوم این جنگ برای اولین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «ویلیام جی. نمت» استفاده شد و در آن طریقه رفتار شورشیان چپن برای ترکیب نبردهای چریکی با تاکتیک‌های نظامی مدرن مورد پردازش قرار گرفت (ارتباطات راهبردی ناتو مرکز تعالی، ۱۵۶:۱۳۹۵). بدین ترتیب باید گفت، خصوصیات جنگ ترکیبی عبارتند از: ۱. حضور عناصر عمده قوای منظم و نامنظم دولتی و غیر دولتی؛ ۲. اشخاصی که در مسائل گوناگون دارای بینش و رویکرد یکسان هستند و برای اهدافی که تعیین می‌کنند ظرفیت اجماع‌سازی دارند؛ ۳. فرماندهی چندوجهی؛ ۴. اقدام هم‌زمان؛ مدیریت عملیات در فضاهای گوناگون در یک بازه زمانی برای کسب تأثیرات مورد نیاز و سریع به‌جای عملیات در فازهای گوناگون؛ ۵. چندبُعدی: ساختار و سازمان نبرد و برنامه‌ریزی با استفاده از منابع خارج و داخل میدان رزم؛ ۶. عدم تقارن و شراکت استراتژیک (یارندی، ۱۲:۱۳۹۴).

نکته مهم دیگر اینکه، جنگ‌های ترکیبی به‌منظور بی‌ثبات ساختن کشور هدف و دوقطبی‌سازی در یک جامعه، انجام می‌شود. در این جنگ‌ها، کشور ستیزه‌جو تمامی مؤلفه‌های قدرت ملی آن کشور اعم از قدرت مادی و نیروی معنوی را مورد هدف قرار می‌دهد؛ با این حال عمدتاً بر روی نقاط ضعف و عوامل مستعد ایجاد بحران، به‌ویژه بحران‌های مهندسی شده تمرکز می‌کند و در بستر ضعف‌ها و نقص‌های معیشتی و اقتصادی، ایدئولوژی آنان را هدف می‌گیرد و تلاش می‌کند با جذب سیاستمداران یا اشخاص پرنفوذ، بستر را برای ورود خود به کشور هدف و زمینه‌سازی در افکار عمومی فراهم آورد. در نتیجه، جنگ ترکیبی جنگی است که در آن هر کدام از متخاصمان تلاش می‌کنند با به‌کارگیری یک روند معین در یک فضای رزم، نسبت به استفاده هم‌زمان تسلیحات متعارف، تروریسم، تاکتیک‌های نامنظم و اعمال جنایی برای رسیدن به اهداف سیاسی خود مبادرت کنند (کلاتری، ۱۴۰۳: ۱۴۴).

۲-۱. پیشران‌ها

بر اساس تعریف مصوب فرهنگستان زبان فارسی، پیشران به معنای عوامل تأثیرگذار بر روندها و رویدادها و اقدام‌ها و تصاویر است که امکان دارد آینده‌های متمایزی پدید آورند. در متون آینده‌پژوهی راهبردی، پیشران‌ها به نیروهای عمده قوام بخش آینده اشاره می‌کند. به بیانی دیگر پیشران‌ها، نیروهای محرکی محسوب می‌شوند که موجب حرکت و تحول متغیرهای گوناگون و ایجاد اوضاع و تعادل‌های تازه می‌گردند (sharifstrategy.org/change-drivers/). در واقع، پیشران‌ها مجموعه‌ای از نیروهای شکل دهنده به آینده هستند که به شکل جهانی یا محلی بر آینده‌های گوناگون اثر می‌گذارند و آینده را صورت می‌بخشند (البرزی دعوتی و نصراللهی، ۱۳۹۷). برای شناسایی نیروهای پیشران می‌توان از دو رویکرد کلی بهره برد: ۱. رویکرد کیفی: در این رویکردها محقق به آمار و اعداد دسترسی ندارد یا به هر علت، زمان/منابع، نیت به کارگیری آن‌ها را ندارد، در نتیجه برای شناسایی نیروهای پیشران سراغ نخبگان می‌رود یا مستندات، مقالات، کتاب‌ها و گزارش‌های حاضر و قابل اعتماد را خوانده و تلاش می‌کند نیروهای پیشران را از میان آن‌ها استخراج کند؛ ۲. رویکرد کمی: در این شیوه، محقق نخست تلاش می‌کند شاخص‌های معناداری پیدا کند یا بیافریند تا بتواند محیط اطراف را نمایندگی کرده و بشناسد. برای نمونه، در شناسایی نیروهای پیشران اقتصادی، محقق قادر است شاخص‌هایی مانند نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم و بیکاری یا تولید ناخالص ملی و داخلی را اساس نیروی پیشران‌یابی در نظر بگیرد (ستاری‌خواه، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

۳-۱. آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی، تحقیقی است در حوزه وقایع بشری - اجتماعی که مقصود آن تدوین مجوزهایی است که اجرای آن‌ها پژوهش مطلوب‌ترین آینده ممکن را مژده می‌دهد. با توجه به جایگاه آشکار فناوری در دنیای کنونی، آینده‌پژوهی، تحقیقی است با هدف اداره و سیاست‌گذاری نظام‌های اجتماعی - تکنیکی برای برآورده شدن مطلوب‌ترین آینده ممکن (بل، ۱۳۹۸: ۱۰). لاسول پنج کارکرد را برای حیطه آینده‌پژوهی بیان می‌کند: وصف اهداف و ارزش‌ها، وصف روندها، بیان اوضاع حاکم، تصویرپردازی آینده‌های محتمل و ممکن باتوجه به اوضاع، نوآوری و ارزیابی و انتخاب راهبردهای جایگزین با هدف کسب آینده مطلوب. لاسول جزو آینده‌پژوهانی

است که نقش بزرگی برای هدف‌ها و ارزش‌ها در نظر می‌گیرد. وی همچنین بر این اعتقاد تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری‌ها رویکردی آینده‌نگر هستند، رویکردی که شدیداً مستلزم خلق تصاویری از آینده‌های ممکن و انتخاب مناسب‌ترین آینده است (خزایی، ۱۳۹۰: ۱۷).

همچنین انواع آینده که در مطالعات آینده‌پژوهی مورد بررسی و پردازش قرار می‌گیرد، در سه گروه تقسیم‌بندی می‌گردند: ۱. آینده ممکن: حاوی همه آینده‌هایی است که امکان دارد رخ دهد. اهمیت ندارد این آینده‌ها تا چه میزان احتمال رخ دادن داشته باشند و یا حتی غیر قابل دستیابی باشند؛ ۲. آینده محتمل: آنچه به احتمال بسیار فراوان در آینده رخ خواهد داد (مبتنی بر تداوم روندهای فعلی در آینده)؛ ۳. آینده مطلوب: آنچه مرجع‌ترین و مطلوب‌ترین اتفاق آینده و یا آنچه بهینه‌ترین و دلخواه‌ترین رویداد آینده محسوب می‌شود (jahanemoaser.ir).

۴-۱. روش سناریو نویسی

سناریوها، از اطلاعات مرتبط با احتمالات و روندهای گوناگون، تصویرهایی قابل باور از آینده پدید می‌آورند و یاری می‌رسانند تا چالش‌ها و فرصت‌های بالقوه اما غیرمنتظره مورد شناسایی قرار بگیرند (دل انگیزان و نوروزی، ۱۳۹۶). در واقع، سناریونویسی فرایندی است که در طول مراحل گوناگون انجام می‌شود. سناریو اهرمی برای تحلیل سیاست‌ها و شناسایی اوضاع، نیازها، تهدیدات، فرصت‌ها و ارزش‌های برتر آینده است. به دلیل تنوع عوامل و قوای سازنده آینده و پیچیدگی و تعامل بیم آنان پیش‌بینی با دقت آینده با سختی مواجه است. به‌صورت کلی سناریونویسی کوششی است در جهت تشخیص موردی‌هایی که برای مطالعه در اولویت هستند، معین ساختن عاملان سیاسی و استراتژی آنان و امکاناتی که برای محقق شدن اهداف خویش دارند و در نهایت تحول سیستم مورد مطالعه با توجه به دگرگونی متغیرهای اساسی (حاجیانی، ۱۳۹۰: ۲۶۵). با تحلیل پیشران‌های کلیدی، تعدادی از سناریوها مورد پردازش قرار می‌گیرد. این سناریوها در سه گروه سناریو یعنی سناریوهای مطلوب یا مرجح، محتمل و ممکن جای می‌گیرند. سناریوی مطلوب آینده، خوشایند یک بازیگر بر اساس داورهای ارزشی است؛ از این جهت می‌توان گفت ذهنی است. از سمتی هم به‌واسطه آنکه اشخاص و گروه‌های گوناگون قضاوت‌های ارزشی مختلفی دارند، آینده مطلوب برای آنان دارای تفاوت است، یعنی امکان دارد آینده‌ای که برای شخص و یا گروهی مطلوب است، برای دیگران دلخواه نباشد. دومین سناریو، سناریوی محتمل است که احتمال دارد رخ دهد و

می‌توان وقوع احتمالات گوناگون را برای آنان در نظر داشت. تداوم یا تغییر شرایط گذشته، حال و آینده محتمل محاسبه می‌شود. در آخر، آینده ممکن وضعیتی است که امکان دارد بعدها تحقق یابد؛ گرچه که اطلاع نداشته باشیم این آینده چگونه محقق می‌گردد (علیزاده و همکاران، ۱۸۲۱).

بدین ترتیب در این پژوهش، سناریوهای کاهش تنش‌ها، افزایش تنش‌ها، تداوم وضعیت فعلی، و جنگ تمام‌عیار ترسیم شده‌اند.

۵-۱. نظریه واقع‌گرایی

نظریه واقع‌گرایی به‌عنوان چهارچوب نظری این پژوهش، بر نقش قدرت و منافع ملی در تعاملات بین‌المللی تأکید می‌کند. نظریه واقع‌گرایی دارای شاخه‌های گوناگونی است که در همین راستا می‌توان به واقع‌گرایی کلاسیک، نوکلاسیک، ساختارگرا و واقع‌گرایی تهاجمی اشاره کرد. «ویلیام ولفرز» اعتقاد دارد مکتب فکری واقع‌گرایی مطابق سه فرض اصلی درباره کارکرد جهان است: گروه‌گرایی، قدرت محوری و خودپرستی (اسدی، ۲۲۵: ۱۳۸۹).

در واقع‌گرایی سنتی به‌صورت کلی با رویکردی بدبینانه منشأ جنگ را مستقیماً در ذات بشر (یا انحراف از آن) و هرج‌ومرج جستجو می‌کند. راه ممانعت از جنگ، موازنه قوا در جنبه‌های گوناگون آن بیان می‌گردد؛ اما در واقع‌گرایی مدرن که عکس‌العملی جمعی در برابر آرمان‌گرایی است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۷۹). واقع‌گرایی ساختاری یا نوواقع‌گرایی ساختاری در کوشش برای عملیاتی ساختن واقع‌گرایی، جنگ را در سه گستره شخص، دولت و نظام بین‌الملل بیان کرده و از مسائل اقتصادی و همچنین نهادهای بین‌المللی هم در تحلیل جنگ به کار بردند. در حیطه ساختارها، فرض اساسی این دیدگاه این است که در نظام یا اجتماعات داخلی اصیل انسجام بخش سلسله مراتبی است، اما نظام بین‌الملل بدون مرجع اقتدار مرکزی است و بنابراین محیط بین‌الملل، محیطی بر اساس خودیاری و آنارشیک است و همین موضوع زمینه وقوع جنگ را فراهم می‌سازد و در آخر تا موقعی که آنارشی از میان نرود، دگرگونی در این شرایط ایجاد نخواهد گردید و بهترین حالت برای برقراری ثبات، ایجاد موازنه قوا در سیستمی دوقطبی در نظر گرفته می‌شود (والتز، ۱۹۷۹: ۱۶۳).

افزون بر این، نئورئالیسم تدافعی یا نوواقع‌گرایی تدافعی نظریه‌ای ساختاری است که از مکتب واقع‌گرایی نظریه روابط بین‌الملل سرچشمه گرفته است. شالوده نوواقع‌گرایی تدافعی منبعث از نظریه سیاست بین‌الملل والتز بوده و مدعی است که

ساختار آشوب‌زده نظام بین‌الملل، دولت‌ها تشویق می‌کند تا برای تقویت امنیت خود به در نظر گرفتن سیاستی معتدل و مدارایی روی آورند (Waltz, 1979: 8). از سوی دیگر، تدافعی‌ها هم همچون تهاجمی‌ها معتقدند مخاصمه در بعضی وضعیت‌ها غیرقابل اجتناب است. چراکه دولت‌های تجاوزگر و توسعه‌طلبی هستند تا نظم جهانی را دچار چالش کنند و همچنین بعضی کشورها صرفاً در جهت پیگیری منافع ملی خود امکان دارد نزاع با سایر کشورها را اجتناب‌ناپذیر سازند. تأکید استفن والت بر اهمیت و نقش «موازنه تهدید» به جای موازنه قوا است. تهدید در رویکرد او عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، قرابت جغرافیایی، توانمندی‌های نظامی و اهداف تجاوزکارانه و تهاجمی احتمالی آن. بنابراین قدرت صرفاً اهمیت ندارد بلکه دیگر عوامل هم مهم‌اند. به بیانی دیگر آنچه در ارتباطات بین دولت‌ها دارای اهمیت است، برداشت آنان از یکدیگر به‌منزله تهدید است و نه صرفاً حد و اندازه قدرت هر یک از آنان. از سمتی هم امنیت در وضعیتی در نظام ارتقا می‌یابد که ایجاد موازنه به‌هنگار تبدیل شده و ایدئولوژی اثر چندانی نداشته باشد. دولت‌ها در مقابل آن طیف از دولت‌هایی دست به توازن می‌زنند که تهدید آنی نسبت به موجودیت یا منافع آنان به شمار بیایند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر با توجه به ماهیت نظری آن، کیفی و از نوع تحلیلی-توصیفی است. برای جمع‌آوری اطلاعات تلاش شده تا به‌صورت کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری و مراجعه به منابع دست اول اعم از کتب، مقالات و سایت‌های معتبر انگلیسی و فارسی به بررسی و شناسایی پیشران‌های مؤثر بر جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبردهای مقابله‌ای بهره‌برد و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق روش کیفی اسنادی خواهد بود.

همچنین با توجه به اهمیت و محوریت داشتن پیشران‌ها در جنگ ترکیبی آمریکا از یک‌سو و نیز در نظر داشتن رویکرد آینده‌پژوهی در پژوهش و ارائه راهبردهای مقابله با اقدامات آمریکا، از رویکرد سناریونویسی استفاده شده است. بر اساس این روش، تلاش شده تا ابتدا پیشران‌های مؤثر بر سیاست جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران شناسایی و استخراج گردد و سپس پس از آن به ارائه و بیان راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ ترکیبی پرداخته شود. در ادامه همچنین به بیان سناریوهای احتمالی می‌پردازیم و پیامدهای آن‌ها را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهیم. بر همین اساس، پیشران‌های اثرگذار بر جنگ ترکیبی آمریکا و راهبردهای

مقابله‌ای ایران در حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نظامی و فناوری استخراج و بررسی شده است. بر همین اساس، پژوهش از نوع توسعه‌ای بوده و روش گردآوری و تحلیل داده نیز کیفی اسنادی است.

۳. پیشران‌های مؤثر بر جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران

به‌صورت کلی، آمریکا طی ۴۰ سال گذشته اقدامات گسترده و مستمری را جهت سرنگونی و تغییر الگوی رفتاری ایران در دستورالعمل خود قرار داده و در این مسیر سطح وسیعی از اقدامات خصمانه همچون رویارویی مستقیم نظامی، تحریم‌های اقتصادی و سیاسی وسیع، کودتا و پشتیبانی از اقدامات تجزیه‌طلبانه را در نظر داشته است (برزنونی و فرهادی، ۱۳۹۹: ۹۵). بدین ترتیب در این بخش به شناسایی و بررسی پیشران‌ها مؤثر بر جنگ ترکیبی آمریکا می‌پردازیم که چگونه این پیشران‌ها می‌توانند بر جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران تأثیر بگذارند.

۳-۱. پیشران‌های سیاسی

۳-۱-۱. اقدامات و تنش‌های سیاسی و بین‌المللی

ایالات متحده تلاش می‌کند تنش‌های سیاسی و منطقه‌ای را علیه ایران ایجاد کند تا کشورمان را به موضعی خارج از رفتار عقلایی در برابر این فشارها بکشانند. بدین ترتیب، در این مسیر حتی با طرح ادعاهایی همچون همکاری جمهوری اسلامی ایران با گروه‌های تروریستی و افراطی منطقه درصدد است وجهه منفی از ایران در میان دولت‌ها و مردم منطقه و نیز در سطح بین‌المللی پدید آورد و اجماع جهانی را علیه کشورمان رقم بزند. چنانکه این موضوع را در دوره پیشین ریاست جمهوری دونالد ترامپ نیز با شدت بیشتری شاهد بودیم.

در همین راستا، کوشش برای شناساندن ایران و رفتارهای آن به منزله تهدیدی برای امنیت جهانی، از ابعاد دیگر «جنگ ترکیبی» دولت دونالد ترامپ بر ضد ایران است. مقصود اصلی از پیشبرد این رهیافت، همراه ساختن دیگر کشورها، به‌خصوص دولت‌های اروپایی با راهبرد فشار حداکثری آمریکا و نیز مشروعیت دادن به این سیاست است. ضرورت و الزام همراه ساختن کشورهای اروپایی با سیاست آمریکا، جزو بااهمیت‌ترین پیشنهادهای مشاوران و اتاق‌های فکر دولت ترامپ برای برآورده ساختن اهداف مشخص شده در راهبرد فشار حداکثری است (Phillips, 2018). همچنین می‌توان

گفت جنبه دیگری از جنگ ترکیبی آمریکا بر ضد ایران، کوشش بدون وقفه دولت ترامپ برای ایجاد پیوندی بین ایران و القاعده و یا گروه‌های افراطی ظهور یافته در منطقه خاورمیانه است (Shahidsaless, 2017).

۳-۱-۲. نقش پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها

از دوران استقرار جمهوری اسلامی، استعمار تلاش کرد تا جامعه جهانی را ضد ایران یکپارچه سازد. از محدودیت حضور ایران در مجامع دیپلماتیک، فراخواندن سفیران خارجی، قرارداد ۵۹۸ تا فشارهای دیپلماتیک گوناگونی که در جهت تحریم، فشار و تهدید ضد ایران به کار رفته است. یکی از موارد در این مسئله، فشارهای دیپلماتیکی است که دشمن به بهانه پرونده هسته‌ای ضد ایران ایجاد کرده و در آخر هم به توافق برجام منتهی گردید، توافقی که خود به منزله اهرم فشار ثانویه ضد ایران استفاده شده و نقش شرطی‌سازی جامعه و مسئولان را در جنگ ترکیبی عهده‌دار است (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۵۷).

در همین راستا، جان بولتون هم در مقاله مفصل خود با طرح خروج دولت ترامپ از توافق برجام، به صراحت بیان می‌کند که دولت آمریکا با این روش می‌تواند «واقعیت جدیدی» ضد جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. وی همچنین اعتقاد دارد دولت باید در گزارش خود بر بسیاری از امتیازات خطرناک ارائه شده برای کسب این قرارداد همچون: مجوز ایران برای تداوم غنی‌سازی اورانیوم؛ مجوز دادن به ایران برای تداوم فعالیت راکتور آب‌سنگین و اجازه دادن به منظور بهره‌برداری و گسترش سانتریفیوژهای پیشرفته، تأکید کند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷)؛ اما پرونده هسته‌ای از سوی دیگر بهانه‌ای است تا تحریم‌های سیاسی و فشارهای دیپلماتیک بسیاری از سوی آمریکا علیه ایران اعمال شود.

بر همین اساس است که «ریچارد نفیو» به‌عنوان یکی از مقامات تیم برنامه‌ریز تحریم‌ها ضد جمهوری اسلامی ایران در دوره دوم باراک اوباما، در کتاب «هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان» ضمن بیان مشروح روند انعقاد توافق برجام، به جنگ ترکیبی ضد جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای دارد. به گفته وی، تحریم‌ها زمانی مؤثر هستند که مجموعه‌ای از علل گوناگون در هماهنگی با یکدیگر به‌صورت مناسب فعالیت کنند (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۱). نفیو در این کتاب تأکید بسیاری بر مفاهیم روان‌شناختی جامعه هدف برای اثربخشی تحریم‌ها به منزله ابزار کنترل و دگرگونی رفتار دارد. در همین راستا، شبکه‌های اجتماعی جایگاه مهمی در مؤثر واقع شدن جنگ ترکیبی ایفا می‌کنند. در

همین زمینه قبل از روی کار آمدن دولت اول روحانی و هم‌زمان با تحریم‌های سخت‌گیرانه‌ای که آمریکا ضد ایران در نظر می‌گیرد، صدور نوع مخصوصی از ادوات مخابراتی به ایران افزایش می‌یابد. درست هم‌زمان با اجرای همین تحریم‌ها، آمریکا قدرت شرکت‌ها و دولت این کشور را به‌منظور فروش فناوری‌های مخابراتی به ایران ارتقا می‌دهد (نفیو، ۱۳۹۷: ۹۱).

۳-۱-۳. اجماع‌سازی و ائتلاف‌های منطقه‌ای ضد ایران

آمریکا در قالب رویکرد سلبی، سعی می‌کند ضمن بی‌اعتبارسازی و مشروعیت‌زدایی از اقدامات منطقه‌ای ایران، آن را به منزله علت محوری بی‌ثباتی و تهدید امنیت و صلح منطقه‌ای برای مخاطبان امنیتی‌سازی (هم‌پیمانان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای) بشناساند. ویور بر این موضوع تأکید دارد که استدلال بازیگر امنیتی‌کننده افزون بر نشان دادن جلوه تهدید، بایستی ارائه دهنده راه علاج و رهایی از این تهدید هم باشد. در این راستا، ایالات متحده به منزله بازیگر امنیتی‌ساز در مرحله دوم با در نظر گرفتن رویکرد ایجابی، راهکارهای رویارویی با این تهدید ساختگی را پیگیری می‌کند (قیصری و باقری، ۱۴۰۰: ۸۲).

بر همین اساس است که مایک پمپئو در سفر به خاورمیانه در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۹، خواهان شکل‌گیری اتحادی بین دولت‌های منطقه و رژیم صهیونیستی، برای مواجهه با تهدیدات ایران است. میزان تمرکز و توجه پمپئو بر مسئله ایران و برجسته‌سازی تهدیدآفرین بودن اقدامات آن به اندازه‌ای است که در همه نطق‌های خود، قسمت چشمگیری را به ایران تخصیص می‌دهند (Paris, 2019). از سوی دیگر، مهم‌ترین اقدام دیپلماتیک آمریکا در جهت جنگ هیبریدی ضد ایران، برگزاری «نشست ورشو» با حضور بیش از ۶۰ کشور دنیا با هدف برقراری اجماع بین‌المللی ضد ایران است. آمریکا در این نشست تلاش می‌کند برای متمایل ساختن کشورهای اروپایی به خروج از توافق برجام، بستر انزوای دیپلماتیک ایران را مهیا کند. در واقع این کشور در این نشست در پی این است تا با نشان دادن ایران به منزله مهم‌ترین علت بی‌ثباتی در منطقه، جبهه گسترده‌ای علیه ایران ایجاد کند (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱۷۱).

همچنین در جهت ائتلاف‌ها و اتحاد ضد ایرانی دولت آمریکا است که در زمان ریاست جمهوری اول ترامپ، وزارت خارجه آمریکا و نیز وزارت دفاع آن، از شروع اقدامات آمریکا برای ایجاد «ائتلافی بین‌المللی» برای رویارویی با تهدیدات ایران در خلیج فارس و دریای عمان خبر می‌دهند. مرحله نهایی این تلاش‌ها، اظهار نظر ژنرال

دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا است. او در موضع‌گیری خود ابراز امیدواری می‌کند که ائتلافی نظامی را برای برآورده ساختن امنیت آب‌های استراتژیک خلیج فارس و باب‌المندب، ایجاد کند. اقدامات و تصمیمات مقامات آمریکایی که به‌منظور همراه‌سازی سایر کشورها با سیاست فشار حداکثری آمریکا ضد ایران صورت می‌گیرد، عملاً یکی از پایه‌های قوام‌دهنده جنگ ترکیبی آمریکا ضد ایران را شکل می‌دهد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۴).

۳-۲. پیشران‌های اقتصادی

۳-۲-۱. تحریم‌های اقتصادی و نفتی

تحریم یکی از مؤلفه‌های بااهمیت برای وقوع تغییرات در ایران است. این رویکرد از سوی کشورهای غربی به خصوص آمریکا مورد توجه است. به همین علت سیاستمداران غربی درصدد هستند از موضوع تحریم برای سرنگونی یا حداقل تغییرات بنیادین در نظام ایران بهره ببرند. این روش از گفتمان و نظریه‌پردازی، قادر است جامعه ایرانی را نیز تحریک کند تا تداوم تحریم بیشتر از آنکه به کشورهای غربی مرتبط باشد به نظام اسلامی مربوط شود و نوعی از تنش اجتماعی را در پی داشته باشد (بشیر، ۱۴۰۲: ۴۹).

در واقع جنگ اقتصادی قادر است در امتداد دیپلماسی و مذاکره باشد و در جنگ ترکیبی تمامی مؤلفه‌ها در کنار همدیگر و در یک مسیر هستند. تأثیرگذاری بر مطالبات یک جامعه، وابسته کردن و کنترل‌پذیری آن، جنگ ارزی و تحریم، تعرفه‌گذاری‌های گوناگون، کاهش بهای پول ملی، ممانعت از واردات ادوات پیشرفته تولید و غیره، قسمتی از مؤلفه‌های جنگ اقتصادی هستند. ایران با ایستادگی که در مقابل جبهه استکباری نشان داده، همواره در برابر جنگ‌ها و تهدیدات گوناگونی از سوی جبهه استکباری قرار گرفته که از جمله می‌توان به وضع تحریم‌های بزرگ اشاره کرد (ملکوت‌نیا، ۱۳۹۴: ۶۵). همچنین در حیطه پیشران‌های اقتصادی جنگ ترکیبی ضد ایران، تحریم‌های تجاری و مالی است؛ تحریم‌های مالی در قیاس با تحریم‌های تجاری وضعیت سخت‌تر و هزینه بیشتری را در پی دارند. شدیدترین شکل تحریم‌های مالی، انسداد اموال کشور هدف است که در پی آن با قطع کردن جریان مالی به شکل مستقیم و غیرمستقیم از انجام کارهای تجاری ممانعت می‌شود. در این باره می‌توان به تحریم‌های آمریکا ضد جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته اشاره کرد (بیات، ۱۳۹۱: ۹۴۰).

در همین راستا، برنامه‌ریزی و عملیاتی ساختن تحریم‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ توسط آمریکا باعث پدید آمدن مسائلی برای فروش نفت و مسائل مالی پیرامون آن شد.

تحریم‌های اقتصادی جدید به منزله قسمتی از پیچیده‌ترین نبردی که آمریکایی‌ها ضد جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند، در شمار جنگ‌های مدرن محسوب می‌شود. آمریکا به این نتیجه دست‌یافته که یکی از بااهمیت‌ترین سازوکارها برای مقابله با کشورها به‌کارگیری از اهرم‌های اقتصادی است و در این جهت وزارت خارجه و خزانه‌داری آمریکا قویاً بر سیستم بانکی کشورها نظارت می‌کنند و به‌صورت رسمی بیان می‌کنند دلار را به اسلحه‌ای اقتصادی برای تحمیل خواسته خود بدل ساخته‌اند. بااین‌حال ترامپ هم از همان شروع به قدرت رسیدن ثابت می‌کند که درصدد است جنگ اقتصادی را به شکل روشن‌تری اجرا کند و انتشار سند راهبرد امنیت ملی او هم به‌نوعی تأیید این نکته است. تصویب قانون «کاتسا» توسط سنا و کنگره آمریکا نشان می‌دهد جنگ اقتصادی ضد ایران یک واقعیت حتمی است (صابر، ۱۳۹۷).

مقصود غایی دولت ترامپ از اجرای تحریم‌های اقتصادی، بازگرداندن ایران به مذاکره و عملیاتی ساختن توافق جامع با آن است. با توجه به چنین مقصودی، مشاوران دولت ترامپ معتقدند قبل از انجام هر گفتگویی، جمهوری اسلامی ایران بایستی از منابع درآمدی محروم گردد. بنابراین، برای تغییر اعمال ایران و جلوگیری از اقدامات «بی‌ثبات‌ساز» آن در خاورمیانه و گستره جهان، بایستی منابع درآمدهای ایران قطع گردد (Gilsinan, 2019).

۳-۲-۲. تأثیر بحران‌های اقتصادی در جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی آمریکا باعث فلج شدن روند تولید کالاهای اساسی کشور می‌گردد و نارضایتی وسیعی در بین اقشار مختلف مردم پدید می‌آورد و القای ناکارآمدی مسئولان دولتی را تسهیل می‌کند و از سمتی آمریکا با بیان همدردی با مردم درون کشور ایران به علت شرایط دشوار اقتصادی و پشتیبانی از اعتراضات کارگران، به تحریک اذهان عمومی اقدام و مشروعیت طبقه حاکم را دچار چالش می‌کند (Shepp, 2018). از سایر اهداف آمریکا در جنگ ترکیبی و فشار اقتصادی ضد ایران، برقراری تنگناهای اقتصادی برای دولت و جلوگیری از اجرای اصلاحات ساختاری در اقتصاد داخلی به علل اضطرابی بودن اوضاع است. بدین جهت، دولت آمریکا با امضای توافق هسته‌ای و اجرای دوباره تحریم‌ها سعی می‌کند نظام ایران را با فشار از داخل، درگیر کند (Walt, 2018).

۳-۳. پیشران‌های نظامی

۳-۳-۱. استراتژی‌های نظامی آمریکا

در ارتباط با راهبردها و سیاست‌های نظامی، دولت‌های مختلف آمریکا هریک رویکرد خاصی را مد نظر دارند؛ اما شاید بتوان مهم‌ترین و تهاجمی‌ترین سیاست‌های مقابله‌جویانه آن علیه ایران را در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ نام برد. تهدید به کارگیری ابزار نظامی و به حداکثرسازی خطر تقابل تسلیحاتی، راهبردی است که به موازات اقدامات و اجماع‌سازی‌های سیاسی همه‌جانبه از سوی دولت اول و نیز دولت دوم ترامپ مطرح می‌شود.

تهدید به استفاده گزینه نظامی ضد جمهوری اسلامی ایران، جنبه دیگری از جنگ ترکیبی دولت ترامپ را در برمی‌گیرد. از تدبیر در استدلال حاکم بر سیاست جنگ ترکیبی، این برداشت می‌شود که تأثیر آن بر رفتارهای ایران و کسب نتایج دلخواه آمریکا، مستلزم طرح تمدید نظامی با اعتبار ضد ایران است. با لحاظ مطلوبیت اضافه کردن تهدید نظامی به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، به نظر می‌رسد دولت ترامپ قصد دارد تا با فرستادن تجهیزات و قوای نظامی به خاورمیانه و ترکیب آن با بیان تهاجمی، اراده قاطع خود را برای به کارگیری گزینه نظامی ضد ایران به منصفه ظهور رساند؛ موضوعی که خیلی از انتقاد کنندگان با در نظر گرفتن سیاق رهبری او و نیز وعده‌های انتخاباتی در امکان متوسل شدن به آن شک جدی دارند (Clemenceau, 2019).

۳-۳-۲. جنگ‌های نیابتی و گروه‌های شبه‌نظامی

در جایگاه تدارک برای وصف جنبه‌های جنگ ترکیبی، بایستی بیان کرد کشور آغازگر این جنگ تلاش دارد تا با اجرای حملاتی به قوای کشور هدف در نقاطی که قابلیت انکار دارند، موجب بروز شبه جنگ و تقویت پیچیدگی فضای امنیتی دشمن گردد. برای پیدا کردن این جنبه از اقدام آمریکا ضد جمهوری اسلامی ایران، بایستی حمله‌های اسرائیل (به جانشینی از آمریکا) به قوای ایران در کشورهای همسایه و هم‌پیمان منطقه را مورد توجه قرار داد. در نتیجه اقدامات و رویه دولت اول ترامپ، فرصت خوبی را برای گستاخی رژیم صهیونیستی به منظور اجرای حملات ضد نیروهای ایرانی به دست می‌دهد (Stephens, 2019). بر همین اساس، رژیم صهیونیستی تا به حال چهار مرتبه پایگاه‌ها و مواضع قوای شیعی نزدیک به ایران در کشور عراق را مورد هدف قرار می‌دهد (Robin & Bergman, 2019). با اینکه مسئولان رژیم صهیونیستی مقصود از

اجرای این حملات را ممانعت از انتقال تسلیحات جمهوری اسلامی ایران به حزب‌الله لبنان و سوریه عنوان می‌کنند؛ اما نکته مهم این است که این حملات در راستای راهبرد فشار حداکثری آمریکا ضد ایران صورت می‌گیرد؛ حملاتی که با تأیید ضمنی مسئولان آمریکایی به خصوص در سوریه همراه است (Editorial Board, 2019).

۳-۴. پیشران‌های فناوری

۳-۴-۱. توسعه فناوری‌ها و جنگ سایبری

دولت‌های استکباری از اهرم جنگ در سطوح گوناگون سایبری، اطلاعاتی و رویارویی مستقیم نظامی ضد دولت چالشگر استفاده می‌کنند (بیزینس اینسایدر، ۲۰۱۳). سایبر یکی از عرصه‌هایی است که از نظر «جوزف نای»، سیطره و انتشار قدرت در دنیا را نشان می‌دهد (Lord & Sharp, 2011: 7). در همین راستا، ویروس «استاکس نت» یا ویروس «فلیم»، جزو پیچیده‌ترین ویروس‌های هم‌گروه خویش محسوب می‌گردند که علیه ایران به کار رفتند (Gardner, 2015).

در واقع بعد از خروج آمریکا از توافق برجام و پیش‌بینی بروز تنش‌هایی بین ایران و ایالات متحده در عرصه‌های مختلف، آمادگی برای مواجهه با تهدیدات ایران به‌وسیله حملات سایبری، به یکی از پایه‌های راهبرد فشار حداکثری دولت اول ترامپ ضد ایران تبدیل می‌گردد. این اقدام بعد از سرنگونی پهلپاد آمریکایی از سوی ایران جنبه‌های جدیدی می‌گیرد (Gilbert, 2019). به موازات دنبال کردن سیاست فشار حداکثری ضد ایران در دو جنبه اقتصادی و سیاسی، دولت آمریکا سعی دارد از راه هدف قرار دادن سایبری سامانه‌های دفاعی و راداری ایران، توانمندی‌های نظامی ایران برای عکس‌العمل احتمالی را ضعیف کند. این حملات بیشتر از هر چیزی، حمله به سامانه‌های امنیتی ایران برای کنترل راکت‌ها و موشک‌ها را مورد هدف قرار می‌دهند (Barnes, Schmitt and Gibbons-Neff, 2019).

۳-۴-۲. نقش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین

در پدیده نبرد رسانه‌ای، سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و تلویزیونی بسیاری به زبان‌های گوناگون از جمله زبان فارسی قابلیت بررسی دارد. تأسیس شبکه‌های گوناگون ضد انقلاب در شبکه‌های اجتماعی از جمله در تلگرام و منتشر ساختن انواع اخبار کذب و تحریک‌کننده و فراخوان تجمعات گوناگون و برنامه‌ریزی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی

و نیز تصویرسازی از این موارد و راهیابی به حیطه آموزش‌های شورش به جامعه مدنی هم در این جهت قابل بیان و تحلیل است. رسانه‌های جدید با مزیت ارتباطات تعاملی توانایی دارند تا مخاطب را به یک چرخه محرک-پاسخ وارد کنند و رسالت مهمی در پدید آمدن فضای شناختی به‌کارگیری جنگ ترکیبی اجرا می‌کنند. در واقع، رسانه‌ها کم هزینه‌ترین، مؤثرترین و ساده‌ترین مسیر دستیابی به موفقیت نفوذ در حوزه شناختی بازیگران مختلف عرصه جنگ (دوست، دشمن و بی‌طرف) هستند. در این نوع عملیات، با پدید آوردن یک مدار محرک-پاسخ سعی می‌گردد تا فرایند تصمیم‌سازی و درنهایت رفتار طرف مقابل مورد اثر قرار بگیرد و تغییر پیدا کند (محمدی نجم، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

۳-۵. پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی

۳-۵-۱. تأثیر اعتراضات اجتماعی و ناآرامی‌ها

استفاده از آشوب‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی جایگاه مهمی در جنگ ترکیبی یا همان هیبریدی دارد. در این جنگ، قوای منظم و نامنظم قادرند به‌صورت هم‌زمان وارد یک نزاع فعال اجتماعی، دستکاری شده یا تحمیلی ضد یک جمعیت معین گردند (Gardner, 2015).

بدین ترتیب جنگ ترکیبی آمریکا ضد ایران بر بستر کمبودهای داخلی و با تمرکز بر موارد ضعف و ساخت روایت و تصویرسازی نادرست از شرایط موجود در سه گستره کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تشکیل می‌شود. آمریکا در این جنگ در پی «روش بهینه» برای حمله خود است. بدین ترتیب امکان‌پذیرش جنگ ترکیبی آمریکا ضد جمهوری اسلامی ایران با ترکیب سیاست‌ها، شیوه‌ها، ابزارها و مؤلفه‌های گوناگون صورت می‌گیرد. اوپاما بلافاصله بعد از انتخاب به‌عنوان رئیس‌جمهور، راهبرد خود را در برابر ایران بر اساس نابودی از درون و فشار از بیرون بیان می‌کند. مطابق این راهبرد همواره بیان می‌کند همه گزینه‌ها برای رویارویی با ایران قابل انجام است. این راهبرد همواره بدون تغییر بوده و تاکنون نیز تغییر نیافته است، به همین علت آمریکایی‌ها از سال ۲۰۰۹ میلادی برای فروپاشی از داخل و فشار از بیرون با روش‌های زیر، اغتشاشات سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ را مدیریت کرده‌اند: ۱. عملیات نظامی منظم؛ ۲. عملیات نظامی نامنظم؛ ۳. شیوه‌های متعارف و غیر متعارف همچون شورش،

اغتشاش، رفراندوم و براندازی؛ ۴. ابزارهای متعارف و غیرمتعارف؛ ۵. مؤلفه‌های اقتصادی، رسانه‌ای، سیاسی، قومی-مذهبی، فرهنگی، امنیتی و اطلاعاتی و شناختی. در همین راستا، سردمداران آمریکا استراتژی «براندازی نرم ایران» را به شکل جدی در نظر می‌گیرند. اقدامات و فعالیت‌های آمریکا در دوران ناآرامی‌های سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری ایران یا همان «فتنه ۸۸» در این جهت قابل تحلیل و تفسیر است. همچنین در شورش‌های دی‌ماه ۱۳۹۶، نقش سازمان سیا در عملیات پنهانی ضد ایران مورد توجه واقع می‌شود. محمدجعفر منتظری (دادستان کل کشور) اولین شخصی است که به صراحت اسم «مایکل دی آندریا» را می‌گوید و او را یکی از طراحان اصلی پروژه ایجاد آشوب در ایران معرفی می‌کند و از نقش مرکز عملیات ایران در سازمان سیا ضد کشورمان پرده‌برداری می‌کند که به جای طرح تونس (از مرکز به شهرهای کوچک)، طرح لیبیایی (از شهرهای کوچک به مرکز) گزینش و عملیاتی می‌گردد. در شورش‌های آبان ۱۳۹۸ بار دیگر نقش سازمان سیا در آشوب‌ها بر سر زبان‌ها می‌افتد. آدامز درباره نقش‌آفرینی مرکز عملیات ایران در حوادث مذکور می‌گوید: تصور می‌کنم این ناآرامی‌ها عمدتاً نتیجه عملکرد مرکز مأموریت ایران است که از سوی دولت ترامپ تأسیس شده است (Sepahpour, 2019).

از سوی دیگر، دولت اول ترامپ در جهت تکمیل جنگ ترکیبی ضد ایران، به شکل وسیع به بهانه پشتیبانی از حقوق بشر و همچنین حمایت از مطالبات مردم، از آشوب‌های داخلی در جهت راهبرد تغییر نظام در ایران پشتیبانی می‌کند. در راستای کمپین فشار حداکثری، این موضوع در دولت ترامپ نسبت به دولت‌های قبلی آمریکا شدت بیشتری پیدا می‌کند، به نحوی که آمریکا درباره کوچک‌ترین تجمعات و آشوب‌های داخلی عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ مثال آشکار آن درخواست آمریکا برای برگزاری نشست شورای امنیت به بهانه دفاع از شورش‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ است. پشتیبانی از آشوب‌های داخلی با وجود اینکه در دولت‌های قبلی آمریکا هم وجود دارد، با این حال در این دوره با توجه به نقش مؤثر رسانه‌های مدرن، به بستری برای شدت‌یافتن فشارهای روانی و اقتصادی بر حکومت و مردم تبدیل می‌گردد. این به صورتی است که در راه شکل‌دهی و پشتیبانی از آشوب‌های داخلی با به‌کارگیری از این رسانه‌ها از ادوات و تاکتیک‌هایی همچون اخبار دروغین و شایعه به‌صورت وسیع استفاده می‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱۶۹).

همچنین اغتشاشاتی که در شهریورماه ۱۴۰۱ در کشور ایجاد می‌شود، یکی از وقایع بسیار مهم و قابل ارزیابی است. غریب آبادی، دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری

اسلامی ایران در این باره اعتقاد دارد که در حوادث ایجاد شده بیش از ۲۰ کشور مداخله کردند، همین موضوع بیانگر اهمیت ناآرامی‌ها و ضرورت خوانش و بررسی عمیق آن‌ها است که پیوند عوامل خارجی و داخلی در آن به‌وضوح آشکار است (بشیر، ۱۴۰۲: ۳۰).

۳-۵-۲. نقش رسانه‌های اجتماعی در ایجاد و گسترش اعتراضات

در جهت عملیات روانی و پروپاگاندا به منزله یکی از مؤلفه‌های جنگ هیبریدی آمریکا علیه ایران، رسانه‌های اجتماعی نقش مهمی اجرا می‌کنند. بر اساس آمار، در حال حاضر، نزدیک به ۴۸ میلیون تلفن هوشمند فعال در دسترس مردم ایران قرار دارد. همچنین بر اساس آمار موجود، نزدیک به ۱۰۰ هزار کانال ایرانی در تلگرام وجود دارد که به سهولت و در بازه زمانی کوتاهی اتفاقات موجود را قادرند به تمام کشور مخابره کنند. این موضوع به‌ویژه در توسعه اعتراضات برجسته است (Quinn, 2018). در واقع، غربی‌ها با الهام از شبکه‌های اجتماعی و رسانه، ضمن جنگ ترکیبی به دنبال اداره تصویر مخاطب میان شرایط موجود و شرایط مطلوب ممکن برای مردم ایران هستند و برداشت ناکامی را در ذهن مخاطب باثبات می‌سازند. گرچه در بررسی مقصود غرب و به‌صورت ویژه آمریکا از اعمال تحریم‌های مختلف علیه ایران با گزینه‌های متفاوتی مواجه می‌شویم، باین‌حال به‌صورت کلی این جواب‌ها در دو حالت تقسیم می‌شود. یک، هدف و نیتی که آمریکا آن را مطرح می‌کند و عبارت است از تحولات معادلات ایران و در طرف دیگر طیف اشخاصی قرار دارند که باور دارند مقصود واقعی آمریکا در حقیقت تغییر نظام ایران است (جمشیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

از سوی دیگر، موضوع تجزیه و تقسیم ایران، به منزله امری مهم و ممکن برای سرنگونی نظام مورد تأکید رسانه‌های دشمن قرار می‌گیرد. این حرکت تبلیغاتی روشن است که نوعی جرئت تجزیه و استقلال‌طلبی به بعضی قومیت‌ها را می‌دهد. در همین راستا و با پدید آمدن چنین بسترهایی، گفتمان‌سازی گسترده‌ای برای جهانی‌سازی ناآرامی‌ها انجام می‌شود. رسانه‌های جهانی از شرق و غرب سعی گسترده می‌کنند تا هرگونه اقدامی در این باره از درون ایران را با بزرگنمایی، دروغ‌پردازی، برجسته‌سازی و غیره پوشش دهند و جامعه جهانی را درباره این مسئله حساس کنند. بر همین اساس، جهانی‌سازی اعتراضات در ایران یکی از اقدامات و برنامه‌های مهمی بود که در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بیشتر از تحولات پیشین در ایران مورد توجه رسانه‌های معاند و کشورهای غربی قرار گرفت. پدید آوردن فضای جهانی ضد ایران از مقاصد مهم

اغتشاشات بود. در این باره، رسانه‌ها از روش‌های مهم عملیات روانی بهره بردند (بشیر، ۱۴۰۲: ۴۸).

۴. راهبردهای ایران برای مقابله با جنگ ترکیبی آمریکا

جنگ ترکیبی دارای ماهیتی پویاست و راهبردهای مقابله ایران با اقدامات آمریکا در این رابطه بایستی بر اساس تحولات فناوری، ژئوپلیتیک و اجتماعی آینده طراحی شوند. همچنین باتوجه به شتاب فزاینده تحولات در حوزه‌های مختلف، راهبردهای مقابله ایران با جنگ ترکیبی آمریکا نیازمند رویکردی آینده‌محور، انعطاف‌پذیر و چندلایه است.

۴-۱. راهبردهای دیپلماتیک و چندجانبه‌گرایی

۴-۱-۱. تقویت روابط با کشورهای غیر غربی و سازمان‌های بین‌المللی

تقویت مشارکت جمهوری اسلامی ایران با سازمان‌های چندقطبی مانند سازمان همکاری شانگهای و پیگیری دیپلماسی فعال با اعضای چنین سازمان‌هایی می‌تواند از اجماع‌سازی‌ها و تنش‌آفرینی آمریکا و متحدان آن علیه کشورمان بکاهد. همچنین به‌کارگیری دیپلماسی هوشمند، حضور مؤثر و استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی (مانند جنبش عدم تعهد یا سازمان همکاری اسلامی) و ارائه طرح‌های صلح‌آمیز در منطقه، موجب می‌شود کشورمان بتواند حمایت سیاسی اعضای این نهادهای و سازمان‌های بین‌المللی را دریافت کند. اما تعمیق روابط با محور مقاومت یعنی جریانات و گروه‌های مقاومت در لبنان، یمن، عراق و سوریه و نیز گسترش مناسبات با قدرت‌های رقیب آمریکا همچون روسیه و چین را می‌توان راهبرد مناسبی برای مقابله با اقدامات و تنش‌آفرینی آمریکا علیه ایران در نظر گرفت.

در واقع، حفظ و گسترش ارتباطات اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای چین، هند، روسیه و ... باعث می‌گردد ایران در آینده به امتیازات حاصل از انعطاف‌پذیری تاکتیکی و کنش استراتژیک سازمان یافته مطابق منافع دسته جمعی دست‌یافته و از تحت تأثیر قرار گرفتن راهبردهای یک‌جانبه خارج گردد (اسماعیلی و هاشمی، ۱۴۰۱: ۴۹۰).

۴-۱-۲. استفاده از دیپلماسی عمومی برای خنثی‌سازی تبلیغات منفی

با بهره‌مندی از دیپلماسی عمومی و افشای اقدامات آمریکا در سطح منطقه و جهان، می‌توان به روشنگری درباره سیاست‌های دوگانه دولت آمریکا در میان افکار عمومی ملت‌های منطقه پرداخت و از این طریق آمریکایی‌ها را تحت فشار قرار داد.

همچنین در همین راستا، تغییر دیپلماسی هسته‌ای کشور و منتهی به تحقق برجام موجب می‌گردد تا اجماع‌سازی آمریکایی و ترویج‌کنای اروپایی ضد برنامه هسته‌ای ایران تحقق نیافته و کشور از تحریم‌های ظالمانه و فشارهای اقتصادی بیرون آید (اسماعیلی و هاشمی، ۱۴۰۱: ۴۸۹).

رویکرد ساختاری به دیپلماسی هسته‌ای و پرونده ایران در این زمینه را می‌توان در مذاکرات دسامبر ۲۰۲۱ مورد توجه قرار داد. ایران در گفتگو با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قبول می‌کند که آژانس بتواند دوربین‌های جدید را در سایت تسلا واقع در کرج نصب کند. این اقدام را می‌توان به منزله بخشی از راهکارهای کنش فعالانه ایران برای حداقل‌سازی تهدیدات احتمالی نهادهای بین‌المللی در نظر گرفت (علی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۹۰).

از سوی دیگر، با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی می‌توان به تبیین اصول و چهارچوب‌های مد نظر جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی پرداخت و از حجم تبلیغات منفی علیه کشورمان کاست. در همین زمینه، می‌توان با دیپلماسی عمومی و چندجانبه به تبیین و ترویج راهبرد مقاومت در میان ملت‌های منطقه یا مظلومان جهان پرداخت و آن‌ها را علیه سیاست‌های استکباری آمریکا با خود همراه کرد.

بر همین اساس، راهبرد مقاومت، نماد و نشان اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این راهبرد را می‌توان به خوبی در تعاملات و تصمیمات کشورمان در حوزه منطقه خاورمیانه مشاهده کرد و جمهوری اسلامی توانسته قوام‌بخش مفهوم مقاومت فعال باشد. مهم‌ترین فرصت عملیاتی‌سازی استراتژی مقاومت فعال، فرآوری ارزش‌های کلان انقلاب است. بدین معنی که استراتژی مقاومت، این امکان را می‌دهد تا ایران بتواند ارزش‌های مد نظرش را فرآوری و از مخابره و ترویج خام اصول خودداری ورزد (انصاری و جاودانی مقدم، ۱۴۰۰: ۱۱۷).

۴-۲. راهبردهای اقتصادی و تاب‌آوری

۴-۲-۱. توسعه روابط تجاری با کشورهای غیر غربی و همکاری‌های منطقه‌ای

با برقراری و گسترش روابط با شرکای غیر غربی مانند اوراسیا، آفریقا، آمریکای لاتین یا همکاری با همسایگان همچون عراق و سوریه، می‌توان تحریم‌های اقتصادی و تجاری آمریکا را دور زد یا از شدت تأثیرگذاری آن بر اقتصاد ملی ایران کاست. همچنین تأسیس و همکاری فعال با سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای و چندجانبه همچون بریکس یا سازمان شانگهای باعث می‌شود تا کشورهای تحت تحریم در قالب یک نهاد اقتصادی چندجانبه دور هم جمع شوند و بتوانند سیاست‌های سلطه طلبانه و یک‌سویه دولت آمریکا را با اقدامات و راهبردهای هماهنگ به چالش بکشند. البته باید توجه داشت در مقابل، همکاری با برخی نهادهای مالی بین‌المللی همچون FATF می‌تواند مخاطراتی را برای اقتصادهای ملی تحت تحریم همچون جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد و راه‌های دور زدن تحریم‌های آمریکا را مسدود سازد.

در واقع، در شرایط فعلی که جمهوری اسلامی ایران توسط دولت آمریکا تحریم است و اتحادیه اروپا هم با اقدامات شکننده خود قادر نبوده راهی برای مبادلات مالی با ایران بیابد، همکاری با FATF و واگذار کردن همه اطلاعات مالی کشور در دسترس اگمونت، از جنبه اقتصادی می‌تواند راه‌های کنونی تراکنش‌های مالی را شناسایی و مسدود سازد. مشخص است که فاش کردن میزان تراکنش‌های بانکی بین‌المللی و اطلاعات شریک‌های تجاری ایران در نقاط مختلف جهان، می‌تواند به تنگ‌تر شدن حلقه تحریم منتهی گردد. لازمه تحریم نیز شناسایی منابع درآمدی حساس دولت و مسدود کردن آن است. از این جهت اگر هم در وضعیت عادی همکاری با FATF مورد مخالفت قرار نگیرد، اما در وضعیت کنونی که کشور دشمن در پی انسداد کامل منابع مالی ایران است، بدون شک همکاری با FATF بستر نفوذ هدفمند آمریکا و شناسایی راه‌های دور زدن تحریم‌ها را مهیا خواهد کرد (حسینی، ۱۴۰۱: ۶۲۷).

همچنین توسعه روابط تجاری با کشورهای غیر غربی همچون تحریم شدگان می‌تواند شبکه بزرگی را در سطح جهانی برای مقابله با تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران پدید آورد. در همین راستا می‌توان نفت را به روش‌های غیر مستقیم از جمله شبکه‌های غیررسمی یا حتی کاهش قیمت برای جذب مشتریان جدید به فروش رساند و تحریم نفتی را دور زد.

۴-۲. اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی‌ها

سیاست‌های ایران در زمینه اقتصادی باید توسط دولتمردان و سیاستمداران اقتصادی مورد تجدید نظر حقیقی در جهت دستیابی به وضعیت مطلوب قرار بگیرد. در غیر این صورت، با تداوم روند فعلی و ایجاد آدرس‌های اشتباه به جامعه باعث می‌گردد تا آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی به همراه رژیم صهیونیستی و عربستان، امکان بیشتری را برای افزایش تحریم‌ها و عدم برآورده شدن برجام و سایر اقدامات تعارض‌آمیز در خاورمیانه ضد ایران کسب کنند (اسماعیلی و هاشمی، ۱۴۰۱: ۴۹۲).

در همین راستا، کاهش وابستگی به دلار یکی از گام‌های مؤثر برای تحقق اقتصاد مقاومتی و تاب‌آوری اقتصادی است. به همین منظور، ضرورت دارد با توسعه مکانیسم‌های مبادله غیر دلاری مانند استفاده از ارزهای ملی، رمزارزها، یا سیستم تهاتری با کشورهای هم‌پیمان مانند روسیه و چین، از تأثیر و نقش‌آفرینی دلار در اقتصاد ملی ایران کم کرد و از این طریق وابستگی غیر مستقیم به آمریکا را کمرنگ ساخت. همچنین خودکفایی در صنایع استراتژیک (دارو، کشاورزی، فناوری) و حمایت از تولید داخلی، می‌تواند از نیاز ایران به واردات این صنایع بکاهد و در نتیجه سیاست‌های تحریمی آمریکا را مبنی بر استفاده ابزاری از مایحتاج و کالاهای اساسی مردم به‌منظور تحت فشار قرار دادن دولت و حاکمیت جمهوری اسلامی خنثی سازد.

۴-۳. راهبردهای نظامی و امنیتی

۴-۳-۱. تقویت توان دفاعی و بازدارندگی

تقویت توانایی ایران در حوزه راهبردی قسمتی از الزامات ژئوپلیتیکی به شمار می‌آید. واقعیت عملکرد تاکتیکی ایران حاکی از آن است که جمهوری اسلامی با تهدیدات گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه گردیده و این موضوع چالش‌های راهبردی نوپدید را برای جمهوری اسلامی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. تقویت قدرت ایران می‌تواند قسمتی از تهدیدات را کاسته و بستر ظهور قسمتی دیگر از مخاطرات از جمله تحریم‌های اقتصادی و راهبردی ضد ایران را مهیا کند (علی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۸۶).

باین‌حال، راهبرد اساسی جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تهدیدات، تقویت توان دفاعی از طریق ساخت و تقویت موشک‌های بالستیک و پهپادهای پیشرفته و تجهیز نیروی نظامی به جدیدترین ابزارهای دفاعی و بازدارنده است. چنانکه باید

گفت توان موشکی ایران می‌تواند به‌عنوان نوعی «سپر دفاعی» عمل کرده و وقوع هرگونه تشدید تنش و جنگ گسترده را به گزینه پرهزینه برای آمریکا تبدیل کند. صنعت هوایی و شاخه پهپادها که در دوره کنونی جمهوری اسلامی پیشرفت‌های قابل توجهی را در این حیطه داشته، قادر است بر قدرت رزمی نیروهای مسلح اثر گذاشته و آن را برای دستیابی به جایگاه‌های بالا حرکت دهد. پهپادها با ویژگی‌های آیرودینامیکی این فرصت را دارند تا مهمات و جنگ‌افزارها و دیگر تجهیزات را با خود حمل کنند (شریفان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۵).

از آنجا که قدرت موشکی، اصل محوری کشورها در استراتژی بازدارندگی است، جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای قدرت و بازدارندگی روزافزون خود به توسعه قابلیت‌های موشکی و پهپادی توجه ویژه‌ای دارد و حتی در این راستا نیز جزو کشورهای مجهز و برخوردار از تکنولوژی موشکی در گستره جهان است. این قدرت ملی در سطح خاورمیانه نیز منحصربه‌فرد است و از مبانی اساسی بازدارندگی در نظام دفاعی کشور به شمار می‌آید. همچنین پیشرفت روزافزون کشورمان در توانمندی‌های فضایی، موجب شده تا قدرت ذاتی و درون‌زای کشور در حوزه ساخت موشک‌ها با توانمندی دفاعی چشمگیر باشد و از اتکای به کشورهای دیگر بکاهد (پیرانخو و ارغوانی، ۱۳۹۶: ۶۹).

۲-۳-۴. همکاری نظامی با متحدان منطقه‌ای و گروه‌های نیابتی

همکاری‌های نظامی و اتحادهای دفاعی منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان راهبرد جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد موازنه تهدید در برابر استفاده آمریکا از اهرم جنگ‌های نیابتی و گروه‌های شبه نظامی در جنگ ترکیبی مورد توجه قرار بگیرد.

پس از نابودی نظام دوقطبی، سطح تهدیدات توسط ایالات متحده علیه امنیت و منافع ملی دیگر کشورها به حدی است که هیچ‌یک از این کشورها یارای نزاع مستقیم با این ابرقدرت نظامی را ندارند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با متحدان منطقه‌ای و گروه‌های نیابتی، عملاً معادله قدرت در منطقه را تغییر دهد و از سوی دیگر از موجودیت و امنیت خود در برابر تخاصم آمریکا محافظت کند (رومی و کاظمی، ۱۴۰۰: ۱۳۴).

همچنین ایران سعی دارد برای پیشبرد استراتژی انقلابی خویش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، توجه ویژه‌ای نسبت به جریان‌ات ضد استعماری و ضد صهیونیستی منطقه داشته باشد. جمهوری اسلامی با رویکرد فعالانه، باید به اتحاد و

به موازات آن برقراری موازنه قدرت در منطقه توجه کند تا در عرصه معادلات سیاسی دچار انزوا نگردد. از منظری دیگر، ایران مطابق تئوری نظام اسلامی و مبارزه با استکبار و صهیونیسم، در تلاش است تا از یک سو به اصل خودیاری در نظام بین الملل متوسل شود و از سوی دیگر از قدرت و همراهی متحدان منطقه‌ای به عنوان ابزاری جهت برآورده ساختن منافع خویش، برقراری صلح و ثبات در منطقه و ممانعت از وقوع هرگونه تهدیدی بهره ببرد. به بیان دیگر، جریانات هم سو با اصول جمهوری اسلامی می‌توانند ایران را در برقراری امنیت و ثبات هر یک کشورها و نیز از جمله خود ایران یاری کنند و در برابر استراتژی‌های سلطه‌طلبانه ایالات متحده مقاومت داشته باشند. بدین ترتیب حضور این متحدان منطقه‌ای در عرصه رقابت و تقابل میان غرب و ایران به داستان درازی تبدیل می‌گردد که کماکان ادامه خواهد داشت (رومی و کاظمی، ۱۴۰۰: ۱۴۵).

۴-۴. راهبردهای سایبری و فناوریانه

۴-۴-۱. فناوری بومی و امنیت سایبری

یکی از تهدیداتی که امروزه در جنگ‌های ترکیبی علیه کشورها بسیار مؤثر واقع شده، جنگ سایبری و نقطه ضعف کشورهای مورد هدف در این عرصه است. بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنگ ترکیبی آمریکا باید به تقویت فناوری‌های بومی و نیز امنیت سایبری توجه بسیاری داشته باشد. در این زمینه، سرمایه‌گذاری در توسعه سامانه‌های دفاع سایبری جایگاه ویژه‌ای دارد و با تقویت و توسعه روزافزون زیرساخت‌های امنیتی می‌توان از سیستم‌های حیاتی کشور همچون انرژی، بانکداری و حمل و نقل در زمان حملات دشمن محافظت کرد. البته توجه و حمایت از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه‌های امنیتی و دفاعی نیز در این راستا در اولویت قرار دارد. علاوه بر این، مقابله به مثل سایبری نیز می‌تواند یکی از راهبردهای ایران در برابر جنگ ترکیبی آمریکا باشد، بدین صورت که از توانمندی‌های موجود در فضای سایبری علیه اهداف آمریکایی یا متحدان منطقه‌ای آن در اموری مانند هدف‌گیری زیرساخت‌های حساس استفاده کند. اما اقدام دیگر در راستای دستیابی به فناوری بومی و امنیت سایبری برای مقابله با جنگ ترکیبی آمریکا این است که به امر آموزش نیروها در حوزه فناوری اطلاعات و ایجاد نیروهای متخصص سایبری و همکاری با بازیگران غیردولتی می‌پردازد.

متأسفانه در حوزه فناوری، باید گفت وابستگی به فناوری کشورهای خارجی اصلی‌ترین چالش و نیاز کشور محسوب می‌شود. بدین ترتیب خودکفایی در فناوری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری عملاً می‌تواند خطر وابستگی را مرتفع کند. استفاده از شبکه اینترنت داخلی می‌تواند میزان زیادی از تهدیدات و تبعات منفی را برطرف سازد. همچنین به‌کارگیری آزمایشگاه‌ها و روش‌های شناسایی بدافزارها از وقوع وقایعی همچون ویروس استاکس نت جلوگیری می‌کند (کافی، ۱۳۹۹: ۱۷).

۴-۴-۲. مقابله فعال با جنگ اطلاعاتی و رسانه‌ای

ابعاد سخت امنیت و تاب‌آوری عمدتاً بر زیرساخت فنی متمرکز است و بر موضوعاتی همچون تأمین و تعمیر سخت‌افزارهای رایانه‌ای جدید، گسترش نرم‌افزارهای رایانه‌ای مورد نیاز، ارتباط با اطمینان با نرم‌افزارهای رایانه‌ای خارجی، شبکه ارتباطی سریع و اتکاپذیر، مراکز فیزیکی مجهز و امن در اقصی نقاط گوناگون کشور و زیرساخت تأمین و توزیع برق و مراودات بین‌المللی اختصاص دارد؛ اما ابعاد نرم امنیت و تاب‌آوری عمدتاً به محتوا، چگونگی استفاده، فرهنگ، ظرفیت جذب تکنولوژی‌ها و دانش وارداتی، قدرت ترویج و تبلیغ فرهنگ بومی، نگهداری اطلاعات و مواردی از این قبیل می‌پردازد. با رویکردی همه‌جانبه، تأثیرات فضای مجازی بر امنیت ملی، فرهنگ جامعه و تاب‌آوری اجتماعی را هم می‌توان بخشی از ابعاد نرم امنیت و تاب‌آوری فضای مجازی تلقی کرد (قاضی نوری و صفری، ۱۴۰۲: ۴۷۱).

بر همین اساس، راهبرد اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات و خطرات جنگ ترکیبی آمریکا در عرصه جنگ اطلاعاتی و رسانه‌ای باید به سمت تقویت شبکه‌های رسانه‌ای بین‌المللی همچون Press TV و العالم برود. در صورت این اقدام، در جنگ روایت‌هایی که رسانه‌های هم‌سو با سیاست‌های دولت آمریکا علیه ایران به راه می‌اندازند و تصویر نادرستی به مردم داخل کشور و نیز جامعه جهانی ارائه می‌دهند، می‌توان به کنترل روایت‌ها و مقابله با تبلیغات منفی رسانه‌های غربی پرداخت و تصویر صحیح را به مخاطب عرضه کرد. البته در جنگ اطلاعاتی با آمریکا ما باید به ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای تبیین اصول و ارزش‌های اصیل نظام جمهوری اسلامی اقدام کنیم و از ظرفیت تأثیرگذاران داخلی و خارجی برای انتشار محتوای هم‌سو با منافع ایران بهره ببریم.

از سوی دیگر، محدودسازی هدفمند رسانه‌های خارجی و در راستای منافع و مصالح ملی نیز می‌تواند یکی دیگر از راهبردهای ایران برای مقابله با نفوذ رسانه‌های

خارجی در دوران جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران باشد. این اقدام می‌تواند حتی در زمینه مقابله با اخبار جعلی از طریق شناسایی و خنثی‌سازی کمپین‌های روانی نیز پیگیری شود.

۴-۵. راهبردهای اجتماعی و فرهنگی

۴-۵-۱. ثبات داخلی و تقویت انسجام ملی

باتوجه به اینکه شورش‌ها و اعتراضات اجتماعی به منزله موتور محرکه ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف عمل می‌کند، بنابراین از آن برای پیشبرد جنگ ترکیبی استفاده می‌شود. این موضوع در رابطه با جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی نیز صدق می‌کند. در نتیجه به نظر می‌رسد کشورمان برای مقابله با این سیاست آمریکا و عوامل داخلی و خارجی‌ان در پیشبرد ناآرامی‌های داخلی، باید مبتنی بر ایجاد ثبات داخلی و تقویت انسجام ملی باشد. در همین راستا، برای تقویت ثبات داخلی و انسجام ملی ابتدا بایستی نارسایی‌ها و مسائل معیشتی و اقتصادی در داخل کشور رفع گردد تا بتوان سرمایه اجتماعی و رضایت عمومی را تقویت کرد و از سوی دیگر بتوان در برابر اقدامات بحران‌ساز و تحریم‌های آمریکا که با هدف تشدید نارضایتی‌های عمومی صورت می‌گیرد، ایستادگی کرد. بهبود معیشت مردم، کاهش شکاف‌های اقتصادی و تبعیض‌های اجتماعی موجب کاهش و فروکش نارضایتی‌های جامعه می‌شود که حتی در صورت تشدید و بحرانی شدن آن باید شاهد تبدیل این معضل به ابزاری برای پیشبرد جنگ ترکیبی مخالفان نظام جمهوری اسلامی باشیم. همچنین شفافیت و بهبود حکمرانی داخلی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی منجر شود و سازوکاری محکم و قاطع در برابر جنگ ترکیبی آمریکا علیه کشور به شمار آید.

این در حالی است که روش آمریکا در جنگ ترکیبی عمدتاً معطوف به استفاده از نارسایی‌ها و نقاط ضعف داخلی ایران متمرکز است، بنابراین علاوه بر رفع مسائل اقتصادی و اجتماعی ضرورت دارد به افزایش آگاهی عمومی درباره اهداف جنگ ترکیبی توجه کافی داشت تا افکار عمومی در برابر هجوم روایت‌های غرض‌ورزانه و یک‌سویه آمریکا و دولت‌های غربی به ابزار شناخت و تحلیل جامع و کل‌نگر مجهز شوند.

۴-۵-۲. تقویت گفتمان امنیت ملی و روحیه مقاومت

در بخش پیشران‌ها همان‌طور که گفته شد، نقش رسانه‌های اجتماعی غربی در ایجاد و گسترش اعتراضات در ایران به‌وضوح قابل مشاهده است و عملیات روانی و پروپاگاندا علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن همواره پیگیری می‌شود. در چنین شرایطی، آنچه جمهوری اسلامی می‌تواند به‌عنوان راهبرد اصولی خود برای مقابله با اقدامات و تبلیغات منفی رسانه‌های اجتماعی غرب در نظر بگیرد، تقویت گفتمان امنیت ملی و تأکید و برجسته‌سازی هویت ایرانی-اسلامی در رسانه‌ها و نظام آموزشی برای اقشار مختلف جامعه و به‌ویژه مخاطبان جوان و نوجوان خود است. گرچه آمریکا از بستر رسانه‌های اجتماعی برای پیشبرد جنگ ترکیبی خود علیه ایران و محقق ساختن اهداف مد نظر استفاده می‌کند؛ اما جمهوری اسلامی هم در راستای راهبرد مقابله‌ای با جنگ ترکیبی آمریکا می‌تواند از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به تبیین وقایع و حقایق در عرصه روابط بین‌الملل بپردازد و فرهنگ مقاومت را ترویج دهد.

شبکه‌های اجتماعی هم‌سو با سیاست‌های آمریکا در دهه‌های اخیر به‌صورت متمرکز در حال پیگیری مشروعیت‌زدایی از آرمان‌ها و ارزش‌های جمهوری اسلامی هستند و عامل بروز مشکلات و مسائل اقتصادی را تکیه کشور بر این اصول می‌دانند. بنابراین ضرورت دارد به مدیریت و هدایت جامعه ایرانی در ادراک صحیح وقایع یاری رساند و به تبلیغ الگوی «اقتصاد مقاومتی» و «دفاع مقدس» به‌عنوان بخشی از هویت ملی اقدام کرد.

۵. سناریوهای احتمالی باتوجه به راهبردهای ایران

در این بخش قصد داریم با توجه به پیشران‌های موجود در جنگ ترکیبی آمریکا و راهبردهای مقابله‌ای ایران در عرصه‌های مختلف، به بررسی سناریوهای احتمالی بپردازیم:

۵-۱. سناریوی خوش‌بینانه: کاهش تنش‌ها

در این سناریو، باتوجه به سیاست‌های آمریکا و راهبردهای ایران می‌توان شاهد کاهش تنش‌ها میان دو کشور، دستیابی به توافق و حتی کمرنگ شدن جنگ ترکیبی ایالات متحده علیه کشورمان باشیم؛ اما از جمله بسترها و شرایطی که این سناریو را تحقق می‌بخشد، موفقیت ایران در عملیاتی ساختن اقتصاد مقاومتی و کاهش اثرگذاری تحریم‌ها و همچنین اجماع‌سازی و ایجاد ائتلاف‌های بین‌المللی با محوریت قدرت‌هایی

همچون چین و روسیه به منظور فشار بر آمریکا در لغو تحریم‌ها باشد. یا حتی وقوع برخی فشارهای داخلی همچون افول و تقبیح سیاست‌های غیر بشردوستانه آمریکا در تحریم‌های یک‌جانبه و هم‌سویی افکار عمومی جهان می‌تواند دولت این کشور را به سمت کاهش فشارها و تنش‌ها بر ایران سوق دهد. در این بین، نقش و جایگاه راهبردهای ایران برای محقق شدن این سناریو اهمیت فراوانی دارد. بر همین اساس، راهبرد دیپلماسی فعال و چندجانبه ایران این ظرفیت را دارد تا از کانال‌های مختلف به دولت آمریکا برای مذاکره و دستیابی به توافق فشار آورد و یا حتی واشینگتن را به بازگشت به برجام ترغیب کند. همچنین راهبرد کاهش وابستگی به دلار و افزایش مبادلات غیر دلاری عملاً وابستگی مالی کشور را به غرب قطع می‌کند و موجب می‌شود دولت آمریکا از این مسئله دچار تبعات سنگینی شود و زودتر به سمت کاهش تنش‌ها با ایران و توافق گام بردارد. از سوی دیگر، تقویت امنیت و سامانه‌های دفاع سایبری و افزایش هزینه‌های ناشی از آن برای آمریکا، نقش تسریع دهنده به مذاکره غیر مستقیم را ایفا می‌کند. پیگیری و اجرای این راهبردها توسط ایران می‌تواند در لغو تدریجی تحریم‌ها، بهبود روابط ایران با اتحادیه اروپا و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت جایگاه کشورمان در منطقه مؤثر باشد. همچنین در این سناریو، از طریق مذاکرات بین‌المللی، حمایت کشورهای ثالث و تلاش‌های میانجی‌گرانه بین‌المللی، دو کشور به توافقات دیپلماتیکی دست می‌یابند که به کاهش تنش‌ها و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسائل منجر می‌شود، از جمله توافق بر سر برنامه هسته‌ای و لغو تدریجی تحریم‌ها. البته شانس این سناریو به صورت واقع‌بینانه ممکن است کمتر از سناریوهای دیگر باشد، اما غیرممکن هم نیست؛ همچنین در این سناریو، توافقات منجر به نزدیک‌تر شدن دو کشور می‌گردد. این مورد می‌تواند به برقراری ثبات در منطقه و کاهش خطرات نظامی منتهی شود. بر همین اساس باید گفت اگر تغییرات مهمی در سیاست‌های داخلی و خارجی دو کشور یا میانجی‌گری‌های مؤثر بین‌المللی رخ دهد، می‌توان شاهد افزایش امکان وقوع این سناریو بود. در واقع، انعطاف‌پذیری در سیاست‌ها و ارائه امتیازات متقابل می‌تواند شانس تحقق این سناریو را افزایش دهد. همچنین در گام بعدی، بهبود روابط می‌تواند از طریق مذاکرات جامع و امتداد همکاری‌های اقتصادی و سیاسی حاصل شود. در پی وقوع این سناریو می‌توان شاهد تحولات و بهبود شرایط در عرصه‌های مختلف بود.

۵-۲. سناریوی ممکن و محتمل: افزایش تنش‌ها

در این سناریو، تحریم‌های هوشمند علیه سیستم بانکی و زیرساخت‌های دیجیتال ایران و اجرای عملیات سایبری مخرب توسط آمریکا و متحدانش برای فلج کردن تأسیسات انرژی ایران، از جمله شرایط و بسترهای تحقق افزایش تنش‌ها خواهد بود. همچنین گسترش و تشدید اختلافات قومیتی نیز پیگیری می‌شود؛ اما در مقابل، ایران با دفاع سایبری تهاجمی و هک زیرساخت‌های حیاتی آمریکا به‌نوعی راهبردهای مقابله‌ای خود را در حوزه سایبری عملیاتی می‌کند. همچنین در داخل نیز، ایران تلاش خواهد کرد راهبرد اقتصاد مقاومتی و ملی‌سازی صنایع استراتژیک را برای کاهش وابستگی به واردات و مقابله با تهدیدات و اقدامات اقتصادی آمریکا پیگیری کند. این در حالی است که بدون شک افزایش تنش‌ها موجب تشدید سیاست اختلاف‌افکنی و شکاف‌های اجتماعی داخل ایران از سوی آمریکا خواهد بود و در نتیجه ایران بر راهبرد بسیج مردمی و گفتمان امنیت ملی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی اقدام می‌کند. این سناریو بر اساس روندها و وقایع و اتفاقات کنونی قابل تبیین است. در چنین شرایطی، آمریکا به استفاده ترکیبی از ابزارها و اقدامات سیاسی، اقتصادی، سایبری و نیابتی برای اعمال فشار بیشتر بر ایران ادامه می‌دهد. بسیار محتمل خواهد بود ایالات متحده از تهدیدات سایبری و فشار اقتصادی به‌عنوان ابزارهای اصلی استفاده کند که می‌تواند منجر به تضعیف دولت و نارضایتی اجتماعی بیشتری در ایران شود؛ اما جمهوری اسلامی هم راهبردهای تقابلی خود را در نظر خواهد گرفت. از همین‌رو این سیاست ممکن است به دلیل عدم تمایل به درگیری نظامی مستقیم و حفظ کنترل تنش‌ها در سطحی که از درگیری گسترده جلوگیری کند، اتخاذ شود؛ اما پیامدهای وقوع این سناریو در عرصه اقتصادی این‌گونه خواهد بود که شاهد تداوم اثرات منفی اقتصادی به دلیل تحریم‌ها و رکود اقتصادی در ایران و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و انزوای بیشتر در عرصه بین‌المللی خواهیم بود. در حوزه نظامی نیز این موضوع می‌تواند از یک‌سو برای ایران فرصتی از دل تهدیدها پدید آورد، مبنی بر اینکه کشورمان به تقویت اقدامات دفاعی و افزایش آمادگی‌های نظامی در منطقه مبادرت کند.

۵-۳. سناریوی معمول و محتمل‌تر: تداوم وضعیت فعلی

در این سناریو، شاهد تداوم تحریم‌ها همراه با اثرگذاری محدود آن به دلیل موفقیت نسبی ایران در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و مهار تأثیرات تحریم‌ها و

بحران‌های اقتصادی خواهیم بود. در این بین، موازنه قدرت در منطقه نیز از طریق بازدارندگی موشکی ایران حفظ خواهد شد؛ اما تأثیر راهبرد ایران بر تحقق این سناریو آنجا است که همکاری کشورمان با سازمان همکاری شانگهای یا انعقاد پیمان‌ها و توافقات جامع استراتژیک با دولت‌هایی همچون چین و روسیه، عملاً از انزوای بین‌المللی ایران می‌کاهد و شدت تأثیرگذاری تحریم‌های آمریکا را کمرنگ می‌کند. البته تحقق راهبرد تقویت توان دفاعی و امنیت سایبری پیشرفته نیز هرگونه تصمیم حمله آمریکا به ایران را پرهزینه می‌کند و این کشور را به بازنگری در سیاست‌های تهاجمی مجبور می‌سازد. همچنین راهبرد ایران مبنی بر برگزاری رزمایش‌های نظامی با حضور قوای چندین کشور یا تولید پهپادهای رادارگریز و موشک‌های هایپرسونیک برای حفظ برتری نظامی در منطقه نیز در این موضوع تأثیر بسیاری دارد. باین‌حال، تبعات و پیامدهای احتمالی وقوع چنین سناریویی این خواهد بود که تنش‌های محدود در منطقه ادامه خواهد داشت؛ درحالی‌که از سوی دیگر ایران باتوجه به راهبرد بازدارندگی و تقویت دفاعی توانسته به قطب فناوری دفاعی در غرب آسیا تبدیل شود. از سوی دیگر، در این بین آمریکا از طریق حمایت از گروه‌های مخالف در داخل و خارج ایران، تلاش می‌کند تا به تضعیف حکومت مرکزی ایران بپردازد بدون اینکه وارد یک جنگ مستقیم شود. همچنین استفاده از گروه‌های نیابتی در منطقه، به‌ویژه برای ایجاد تنش در کشورهایی که روابط نزدیکی با ایران دارند، می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی اصلی ایالات متحده عمل کند. این در حالی است که ایران نیز عملاً راهبردهای خود مبتنی بر تقویت انسجام ملی و افزایش آزادی‌های مدنی یا تقویت همکاری‌ها با متحدان منطقه‌ای را برای پاسخ به این اقدامات آمریکا پیگیری می‌کند. در این شرایط، هر دو کشور به‌نوعی تنش موجود و کاهش شدید تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک را ادامه می‌دهند، ولی از درگیری گسترده نظامی اجتناب می‌شود. در این حالت، شرایط فعلی بدون تغییرات بزرگ ادامه می‌یابد. فرایندهای کنونی و تعاملات کنونی به شکل تدریجی و بدون تغییر جدی پیگیری می‌شود. این سناریو که شامل ادامه فشارهای اقتصادی، سیاسی و سایبری است، به دلیل تداوم الگوهای رفتاری اخیر آمریکا و راهبردهایی که در گذشته دنبال کرده، محتمل‌ترین به نظر می‌رسد. در این سناریو هم فشارها بر روی ایران عمدتاً از طریق تحریم‌ها و اقدامات اقتصادی و حملات سایبری ادامه خواهد داشت. البته این سناریو به دلیل نیاز به حفظ فشار بدون درگیری مستقیم، توسط مقامات آمریکایی ترجیح داده می‌شود.

۴-۵. سناریوی بدبینانه: جنگ ترکیبی تمام‌عیار

در این سناریو، ترکیبی از حملات سایبری، اقتصادی و نظامی-غیرنظامی علیه زیرساخت‌های حیاتی ایران با هدف تضعیف و تغییر حکومت ایران و تشدید ناآرامی‌های اجتماعی پیگیری و اجرایی خواهد شد که ممکن است به تحولات وسیع در منطقه و جهانی منجر شود. همچنین در این حالت، مداخله اطلاعاتی و نظامی محدود آمریکا با همکاری رژیم صهیونیستی برای هدف‌گیری تأسیسات هسته‌ای ایران محتمل است. اما در این بین، راهبردهای ایران برای پاسخ به تهدیدات و تجاوزات دولت آمریکا و متحدان آن، مبتنی بر به‌کارگیری موشک‌های بالستیک به‌منظور هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا در منطقه یا بسیج متحدان منطقه‌ای و نیروهای نیابتی برای مقابله به مثل با آمریکا در خاک کشورهایی همچون عراق و سوریه خواهد بود. از سوی دیگر در این سناریو، یکی از مهم‌ترین و محتمل‌ترین راهبردهای ایران برای مقابله با تهدیدات آمریکا، بستن تنگه هرمز و استفاده از نیروی دریایی و موشکی برای اختلال در صادرات نفت از طریق این تنگه خواهد بود. همچنین در سناریوی جنگ تمام‌عیار، ایران هم‌زمان با پیگیری اقدامات سخت‌افزاری، به اقدامات و راهبردهای نرم‌افزاری همچون جنگ رسانه‌ای علیه آمریکا و به چالش کشیدن مشروعیت اقدامات واشینگتن اقدام خواهد کرد. در چنین شرایطی، خسارات بسیار سنگینی به زیرساخت‌های حیاتی ایران وارد می‌آید و افزایش بی‌سابقه قیمت نفت نیز سایر کشورها به‌ویژه دولت‌های منطقه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. حتی در این سناریو احتمال مداخله نظامی سایر قدرت‌ها و ائتلاف‌های نظامی بین‌المللی و گسترش دایره جنگ به سطح بین‌المللی خواهد بود. همچنین این سناریو ممکن است از طریق حوادث تحریک‌آمیز یا محاسبات اشتباه تاکتیکی مرتبط به آن وقوع یابد. این سناریو که منجر به درگیری نظامی مستقیم می‌شود، به نظر می‌رسد محتمل نباشد مگر در شرایط بسیار بحرانی و با تحریکات جدی. در واقع این گزینه به دلیل هزینه‌های بالا، تلفات انسانی و خطرات منطقه‌ای و جهانی توسط رهبران هر دو کشور کمتر ترجیح داده می‌شود. در صورت وقوع احتمالی این سناریو بایستی شاهد تلفات جانی و انسانی گسترده، جابه‌جایی جمعیت و افزایش بحران‌های انسانی بود.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که تحت آماج اهداف تهاجمی آمریکا در جنگ ترکیبی قرار دارد و به‌ویژه تشدید و تسریع این جنگ علیه ایران را از دوران ریاست جمهوری اول دونالد ترامپ شاهد هستیم. اما در جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران، پیشران‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناورانه نقش دارند و این جنگ را به پیش می‌برند. بر همین اساس، یافته‌های این پژوهش، موضوعاتی همچون اقدامات و تنش‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها، ائتلاف‌های منطقه‌ای ضد ایران، تحریم‌های اقتصادی و نفتی، تأثیر بحران‌های اقتصادی بر جنگ ترکیبی، راهبردهای نظامی، جنگ‌های نیابتی، توسعه فناوری‌ها و جنگ سایبری، نقش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین، اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی و نقش رسانه‌های اجتماعی در ایجاد و گسترش اعتراضات به‌عنوان پیشران‌ها و عوامل کاتالیزور جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران عمل می‌کنند. باتوجه به پیشران‌های مؤثر در جنگ ترکیبی آمریکا علیه ایران، سناریوهای احتمالی که در چنین شرایطی می‌تواند رخ بدهد، در چهار سناریو کاهش تنش‌ها، افزایش تنش‌ها، تداوم وضعیت فعلی و جنگ ترکیبی تمام‌عیار قابل بیان است. پیشران‌ها به‌عنوان عوامل کلیدی در پیش‌بینی تحولات و تدوین سناریوهای مختلف بر اساس آن، می‌توانند به تصمیم‌گیرندگان کمک کنند تا به‌طور مؤثر با چالش‌ها روبرو شوند و راهکارهای مناسبی برای مدیریت تغییرات و تحولات پیدا کنند. هر سناریو با خود چالش‌ها و فرصت‌های خاصی را به همراه دارد که نیازمند دقت نظر و برنامه‌ریزی راهبردهای هوشمندانه در سیاست‌های داخلی و خارجی است. باتوجه به اینکه جنگ ترکیبی آمریکا تهدیدی چندبُعدی است؛ بنابراین به واکنش و پاسخ هوشمندانه و بازدارنده ایران در عرصه‌های گوناگون نیاز است. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از راهبردهای چندبُعدی قادر خواهد بود تأثیرات جنگ ترکیبی آمریکا را به حداقل ممکن برساند. بدین ترتیب آینده‌پژوهی جنگ ترکیبی نشان می‌دهد که برای موفقیت در این جنگ و حفظ مؤلفه‌های قدرت ملی نیاز است همواره پایش مداوم پیشران‌ها و انعطاف در راهبردهای مقابله‌ای مورد توجه قرار بگیرد. با توجه به سناریوهای مختلف، به نظر می‌رسد محتمل‌ترین سناریو، تداوم فشارهای اقتصادی و تنش فعلی میان ایران و آمریکا است. بر همین اساس اقدامات و تصمیمات ایران باید مبتنی بر راهبردهای سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی و امنیتی، سایبری و فناورانه، اجتماعی و فرهنگی و با هدف تحقق ثبات داخلی و انسجام اجتماعی، تقویت بازدارندگی دفاعی و

نظامی، اقتصاد مقاومتی و تاب‌آوری اقتصادی و دیپلماسی فعال باشد تا از بروز و وقوع بحران‌های گسترده ممانعت کند و بتواند به مقابله با سیاست‌های جنگ ترکیبی آمریکا برخیزد. همچنین موفقیت ایران در گرو بهره‌مندی از همکاری‌های با کشورهای غیرغربی مانند چین و روسیه و فعالیت و پیوستن به اتحادهای چندجانبه اقتصادی همچون بریکس و سازمان شانگهای است. باوجود این، سناریوی بدبینانه این هشدار را برای کشورمان در پی دارد که تشدید شکاف‌های اجتماعی یا اشتباهات محاسباتی، امکان دارد هزینه رویارویی مستقیم با آمریکا را به سطح غیرقابل کنترلی برساند. درنتیجه در چنین شرایطی، باید برنامه‌ریزی و اقدامات راهبردی ایران برای جلوگیری از وقوع چنین مسئله‌ای بر پایه انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری، بازدارندگی، پیشدستانه بودن و هماهنگی بین نهادها متکی باشد تا در صورت وقوع هر سناریویی، بتواند بقای خود را تضمین کند. از سوی دیگر، تمرکز بر راهبردهای پیشدستانه در حوزه سایبری و ائتلاف‌سازی چندجانبه، مقاومت ایران در برابر جنگ ترکیبی آمریکا را افزایش می‌دهد و فرصت بازتعریف موازنه قدرت در غرب آسیا را فراهم می‌آورد.



References

- Aliakbari Asad, A. (2010). *Realism and competing approaches to foreign policy*. Rahbord, 56, 223–252. [in Persian]
- Alborzi Davati, H., & Nasrollahi, A. (2018). *Trend analysis and drivers affecting news in IRIB over the next five years*. Communication Research, 25(94), 103–127. [in Persian]
- Alikhani, M., & Mohammadpour, Z. (2024). *Examining the dimensions of hybrid and cognitive warfare of colonialism against Iran*. The 17th National Conference on Management and Humanities Research in Iran, April 2024. [in Persian]
- Alizadeh, A., et al. (2012). *Scenario writing or scenario-based planning*. Tehran: Andishgah Ati Negar. [in Persian]
- Ansari Bardeh, R., & Javdani Moghadam, M. (2021). *The concept of active resistance strategy in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran*. Rahbord, 30(1), 101–127. [in Persian]
- Barzanouni, M. A., & Farhadi, F. (2020). *A scenario-based future study of U.S. strategies against Iran*. Afaq-e Amniat, 13(46). [in Persian]
- Bashir, H. (2023). *Discourse diplomacy of Iran's 2022 unrest and global media: Case study of Al Jazeera network*. Rahbord, 32(1), 29–56. [in Persian]
- Bayat, M. (2012). *The history of Iran sanctions: Changes in vulnerabilities and the nature of sanctions*. Foreign Policy Quarterly, 26. [in Persian]
- Bell, W. (2019). *Foundations of Futures Studies* (M. Taghavi & M. Mohaqeq, Trans., 4th ed.). Tehran: Defense Science and Technology Future Studies Center. [in Persian]
- Clemenceau, F. (2019). *Que peut encore faire la France pour prévenir une crise majeure avec l'Iran?* Available at: <https://www.lejdd.fr/International/que-peut-encore-faire-la-france-pour-prevenir-une-crise-majeure-avec-liran-3909675#xtor=cs1-4>
- DeYoung, K., & Ryan, M. (2019). *Trump administration lays broad legal grounds for military strike on Iran*. Available at: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/trump-administration-lays-broad-legal-grounds-for-military-strike-on-iran/2019/07/03/739c3ef8-9d0d-11e9-b27f-ed2942f73d70_story.html
- Dubowitz, M., Gerecht, R. M., & Ben Taleblu, B. (2019). *What "Yes" With Iran Looks Like*. Center on Military and Political Power. <https://www.fdd.org/analysis/memos/2019/06/26/what-yes-with-iran-looks-like/>
- Ebrahimi, H. (2020). *Hybrid warfare: U.S. approach in confronting the Islamic Republic of Iran*. International Relations Research, 10(2), 155–180. [in Persian]

- Elinor Sloan. (2018). *Hegemony, power, and hybrid war*. <https://doc-research.org/2018/11/hegemony-power-hybrid-war>
- Falakhanbaz, K. (2011). *U.S. smart power use against Iran and counter-strategies*. Tehran: Hanif Publications. [in Persian]
- Gardner, H. (2015). *Hybrid Warfare: Iranian and Russian Versions of "Little Green Men" and Contemporary Conflict*. NATO Defense College, Rome.
- Ghaffari, M., & Bagheri, E. (2021). *The U.S. regional strategy: Threat construction of Iran's regional actions*. *Rahbord*, 30(98), 67–100. [in Persian]
- Gilsinan, K. (2019). *The Woman at the Center of Trump's Iran Policy*. <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2019/07/mandelker-iran-sanctions/594412/>
- Hannah, J. (2019). *Trump's Iran Policy Hasn't Failed—Yet*. <https://foreignpolicy.com/2019/07/12/trumps-iran-policy-hasnt-failed-yet/>
- Hazrati Romi, F., & Kazemi, E. (2021). *The role of proxy groups in Iran's foreign policy strategy*. *Global Politics*, 10(1), 131–162. [in Persian]
- Hoffman, F. G. (2009). *Hybrid warfare and challenges*. National Defense University, Institute for National Strategic Studies.
- Hosseini, M. R. (2022). *Strategic constraints and requirements for Iran's interaction with FATF and Egmont Group*. *Rahbord*, 31(4), 609–634. [in Persian]
- Jahner, A. (2012). *Saudi Arabia and Iran: Struggle for Power and Influence in the Gulf*. *International Affairs Review*, XX(3), 38–49.
- Jamshidi, M. (2013). *Sanctions: A U.S. tool to alter Iran's nuclear calculation*. *Strategic Studies Quarterly*, 62, 119–156. [in Persian]
- Kalantari, F. (2017). *Developing strategies for future hybrid war with a focus on its implementation*. *Defensive Futures Studies*, 1(2), 143–162. [in Persian]
- Kalantari, F. (2024). *The nature of U.S. hybrid warfare against the Islamic Republic of Iran*. *Military Science and Technology Journal*, 20(68). [in Persian]
- Karami, A. S., Sharifi, M., & Yazdani, E. (2019). *The concept of hybrid war: A basis for understanding Trump's strategy against Iran*. *Global Politics*, 8(3), 105–132. [in Persian]
- Kafi, S. (2020). *Security-defense indicators for cyber infrastructure protection in Iran based on passive defense*. *Defensive Policy*, 28(111). [in Persian]
- Keshavarz-Tark, E., Yusefi, A., & Nahadi, H. (2019). *The impact of cultural-social components of the Sacred Defense on Iran's national security future*. *Rahbord-e Dafa'i*, 17(66), 69–96. [in Persian]
- Korybko, A. (2015). *Hybrid Wars: The Indirect Adaptive Approach to Regime Change*. Moscow: People's Friendship University of Russia.

- Lord, K. M., & Sharp, T. (Eds.). (2011). *America's Cyber Future: Security and Prosperity in the Information Age* (Vol. II). Washington, DC: Center for a New American Security.
- Mah-Pishanian, M. (2011). *Cyberspace and new confrontation methods of the U.S. against Iran*. Journal of Cultural Communication Studies, 13, 122–195. [in Persian]
- Malakoutinia, A. (2015). *Consumption of Iranian goods: A strategy for combating economic warfare*. Monthly Moballeghan, 192, 65–74. [in Persian]
- Mardoukhi, B. (2012). *Foresight methodology*. Tehran: Ney Publications. [in Persian]
- Mashirzadeh, H. (2005). *Transformation in International Relations theories* (2nd ed.). Tehran: SAMT. [in Persian]
- McCuen, J. (2008). *Hybrid wars*. Military Review, 88(2), 107–113.
- Mousavian, S. H., Rezaeipour, M. R., & Shahid Thaleth, S. (2015). *Iran and the U.S.: A failed past and a path toward reconciliation*. Tehran: Tisa Publications. [in Persian]
- Nemeth, W. J. (2002). *Future war and Chechnya: A case for hybrid warfare*. Naval Postgraduate School. <https://core.ac.uk/download/pdf/36699567.pdf>
- Neffew, R. (2018). *The Art of Sanctions: A view from inside the field*. Tehran: Majlis Research Center. [in Persian]
- Phillips, J. (2018). *U.S. Iran Policy after the Demise of the Nuclear Deal*. The Heritage Foundation. <https://www.heritage.org/middle-east/report/us-iran-policy-after-the-demise-the-nuclear-deal>
- Pirankhoo, S., & Arghavani Pirsalami, F. (2017). *Missile technology development and Iran's defense-security strategy*. Rahbord, 26(2). [in Persian]
- Roumi, F., & Kazemi, E. (2021). *The role of proxy groups in Iran's foreign policy strategy*. Global Politics, 10(1), 131–162. [in Persian]
- Safari, H., & Ghazi Nouri, S. (2023). *The position of security and resilience in cyberspace policymaking based on the Islamic-Iranian Model of Progress*. Rahbord, 32(108), 463–484. [in Persian]
- Sattari-Khah, A. (2019). *Practical foresight and scenario writing* (2nd ed.). Tehran: Khatam Air Defense Base. [in Persian]
- Sattari-Khah, A., Nasirzadeh, A., Mirsemi'i, S. M., & Khadem Daqiq, A. H. (2016). *Nature of possible future hybrid warfare against Iran by 2025*. Defensive Futures Studies, 1(1), 27–44. [in Persian]
- Schwartz, P. (1996). *The Art of the Long View: Paths to Strategic Insight for Yourself and Your Company*. New York: Bantam Doubleday Dell.
- Shahidsaless, S. (2017). *CIA's bin Laden files stunt raises more questions than it answers*. <http://www.middleeasteye.net/columns/release-al-qaeda-files-raises-more-questions-answers-814072537>

- Sharifan, M. E., Ahmadian, A. A., & Poursadegh, N. (2018). *Strategic development of UAVs for increasing the combat power of Iran's armed forces*. Strategic Defense Studies, 16(72), 153–176. [in Persian]
- Shariati Shirazi, M. T., & Naghibzadeh, A. (2023). *Sociopathological analysis of Iranian micro-celebrities on Instagram*. Majlis and Strategy, 116(30), 177–204. [in Persian]
- Shepp, J. (2018). *Trump's Iran Strategy: Regime Change on the Cheap*. <http://nymag.com/intelligencer/2018/07/trumps-iran-strategy-regimechange-on-the-cheap.html>
- Stephens, B. (2019). *The Man Who Humbled Qassim Suleimani*. <https://www.nytimes.com/2019/01/11/opinion/gadi-eisenkot-israel-iran-syria.html>
- Tharoor, I. (2019). *Trump and the Iranian regime are both running out of options*. <https://www.washingtonpost.com/world/2019/07/24/trump-iranian-regime-are-both-running-out-options/>
- Toft, P. (n.d.). *John J. Mearsheimer: An Offensive Realist Between Geopolitics and Power*. International Relations.
- Toosi, N., & Lippman, D. (2019). *Trump officials seek to placate Congress on Iran*. <https://www.politico.eu/article/trump-officials-seek-to-placate-congress-on-iran/>
- Voghoufi, O., Ghasemi, A. A., & Hajiani, E. (2017). *Identifying key drivers and factors affecting Yemen's future by 2027*. Defensive Futures Studies, 2(4), 87–107. [in Persian]
- Walt, S. M. (2018). *Regime Change for Dummies*. <https://foreignpolicy.com/2018/05/14/regimechange-for-dummies/>
- Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Wemer, A. D. (2019). *Buy-In From Allies Critical for Effective Sanctions, Says Former US Treasury Secretary Lew*. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/buy-in-from-allies-critical-for-effective-sanctions-says-former-us-treasury-secretary-lew>
- Wong, E., & Edmondson, C. (2019). *Iran Has Ties to Al Qaeda, Trump Officials Tell Skeptical Congress*. <https://www.nytimes.com/2019/06/19/us/politics/us-iran.html>
- Zegras, C., & Rayle, L. (2012). *Tests the rhetoric: An approach to assess scenario-planning's role as a catalyst for urban policy integration*. Futures, 44, 303–318.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی